

# درسهائی از اعتصابات و مبارزات کارگری و وظایف انترناسیونالیستی



صدای انترناسیونالیستی

هم زنجیران!

انترناسیونالیست‌ها!

مخالفان بردگی مزدی!

گرایش‌های راست و چپ سرمایه با توجه به منابع سرشاری که دارند، قادر به مهندسی افکار عمومی هستند. انترناسیونالیست‌ها در انزوای مطلق از مواضع و اهداف پروولتری دفاع می‌کنند. کمک کنید تا روایت و افق انترناسیونالیست‌ها از مبارزات و اعتصابات کارگری بدست دیگر هم طبقه‌ای‌ها یمان برسد.

آدرس سایت و ایمیل صدای انترناسیونالیستی به قرار زیر است:

کانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

ایمیل:

[contact@internationalistvoice.org](mailto:contact@internationalistvoice.org)

وبسایت:

[www.internationalistvoice.org](http://www.internationalistvoice.org)

ایکس (توییتز سابق):

[https://x.com/int\\_voice](https://x.com/int_voice)

**انقلاب کمونیستی یا نابودی بشریت!**

## فهرست مطالب:

۶	..... مقدمه
۱۰	..... نقش طبقه کارگر در تولید ارزش اضافی
۱۴	..... شلاق زدن کارگران
۱۷	..... خودکشی کارگران
۱۹	..... اعتصاب معلمان
۲۲	..... اعتصاب رانندگان و کامیون داران
۲۵	..... اعتصاب کارگران ماشین سازی هپکو
۲۹	..... اعتصاب کارگران گروه ملی صنعتی فولاد
۳۴	..... اعتصاب کارگران هفت تپه
۴۶	..... نقش زنان در اعتراضات و اعتصابات کارگری
۴۹	..... مدافعان بردگی مزدی در لباس کارگر
۵۲	..... سرکوب رهبران کارگری
۵۷	..... جنبش دانشجویی در خدمت جنبش کارگری
۵۹	..... نقش مدیای بورژوازی
۶۳	..... همبستگی طبقاتی

- ۶۶ ..... بخش خصوصی یا دولتی
- ۷۰ ..... اتحادیه‌های کارگری در مقابل طبقه کارگر
- ۷۸ ..... تجربه شرکت واحد
- ۸۵ ..... مدیریت کارگری
- ۸۸ ..... شوراهای کارگری
- ۹۷ ..... وظایف انترناسیونالیستی
- ۹۹ ..... همزنجیران!
- ۱۰۲ ..... یادداشتها:
- ۱۰۴ ..... خطوط اصلی مواضع:

طبقه کارگر ایران یکی از دشوارترین شرایط اقتصادی و اجتماعی را می گذراند. میلیونها کارگر بیکارند و هزاران کارگر در حال پیوستن به ارتش عظیم بیکاران هستند. سطح دستمزدها پائین تر از خط فقر است. بردگان مزدی که خود خالق نعمات بشری هستند، خود از تامین نیازهای اولیه محروم هستند. سرمایه پیرامونی در بحران با چهره کریه خود یک جهنم زمینی را برای بردگان مزدی بوجود آورده است. تحریم های آمریکا و دولتهای غربی، تنبیه بورژوازی اسلامی توسط گانگسترهای غربی برای به زانو در آوردن بورژوازی اسلامی، پیامدهای ناگواری را برای سرمایه داری پیرامونی بدنبال داشته است. ورشکستگی و تعطیلی واحدهای تولیدی، سقوط ارزش پول ملی، تنها به مفهوم اعمال سیاستهای ریاضت اقتصادی بیشتر برای بردگان مزدی یعنی پائین آوردن باز هم بیشتر قدرت خرید کارگران بوده است.

قبل از اعتراضات خیابانی دی ماه ۱۳۹۶ شاهد اعتراضات کارگری بودیم. در مقطع اعتراضات خیابانی، طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی به اعتراضات و اعتصابات کارگری خود ادامه داد و به عنوان یک طبقه اجتماعی وارد اعتراضات خیابانی نشد. اما از امسال طبقه کارگر فصل جدیدی را در مبارزات خود شروع کرده

است، به جرات میتوان گفت که بعد از مبارزات کارگری سالهای ۱۳۵۹ - ۱۳۵۶ برای اولین بار مبارزات کارگری رشد کیفی یافته و به چنین سطحی رسیده است. همه روزه اعتراضات و اعتصابات کارگری رخ می دهد، هر چند عامدانه اخبار آنها بدرستی انعکاس نمی یابد. بطور میانگین روزی ۱۷ اعتراض یا اعتصاب کارگری در ایران [۱] رخ می دهد. اگر چه اعتراضات کارگری هنوز به دو صنعت کلیدی و حیاتی، یعنی صنعت نفت و صنعت خودرو سازی کشیده نشده است، اما بخشی از پرولتاریای صنعتی درگیر اعتراضات و اعتصابات کارگری است.

زمانی شعار کارگران از سر استیصال «مرگ بر کارگر، درود بر ستمگر» بود، زمانی کارگر هیچ افقی برای خود نمی دید، به جای نبرد طبقاتی از سر استیصال دست به خودکشی می زد. اما در مدت کوتاهی نه تنها شعار کارگران عوض شد و تبدیل به شعار «درود بر کارگر، مرگ بر ستمگر» شد بلکه شعارهای ضد سرمایه داری در اعتراضات و اعتصابات کارگری گسترش پیدا کردند. به عبارت بهتر از شلاق خوردن کارگران بخاطر اعتراض کارگری تا اعتراضات قدرتمند طبقاتی، بخشی از این بررسی خواهد بود. نکته حائز اهمیت این است که بررسی و توضیح اعتراضات و اعتصابات کارگری نه از جنبه اخبار رسانی بلکه از جنبه بررسی، نظری و استدلالی می باشد.

واقعیت این است که یک جنگ گاه پنهانی و گاه آشکار بین گانگسترها در جریان است. آمریکا به همراه عربستان سعودی و دیگر نهادهای سرمایه‌داری یک جنگ روانی و اقتصادی برای به زانو در آوردن اقتصاد ایران شروع کرده اند و در این مسئله نیز تا حدودی موفق بوده اند. معضلات سرمایه پیرامونی، نا امنی سیاسی، تهدیدات آمریکا-عربستان و غیره باعث شده طی چند ماه اخیر ریال حداقل ۱۵۰ درصد ارزش خود را از دست بدهد. به عبارت بهتر قدرت خرید طبقه کارگر ۹۰ درصد کاهش پیدا کرده است.

جنگ گانگسترهای اسلامی و غربی بر سر منافع امپریالیستی شان ربطی به منافع طبقه کارگر ندارد. زمانی خطر اضمحلال جامعه و سرنوشتی شبیه سوریه در انتظار ایران بود. همانطوری که قبلا نوشتیم اگر طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی، پیشرو مبارزات اجتماعی شود، در چنین حالتی نه تنها زمینه اضمحلال جامعه از بین می‌رود، نه تنها خطر جنگ و احتمال دخالت قدرت های خارجی کم می شود بلکه خود این جنبش به خاطر ماهیت ضد سرمایه‌داری خود، مبارزه طبقاتی را در منطقه گسترش خواهد داد. تاکید کردیم، تکامل مبارزه طبقاتی نه تنها جلوی اضمحلال جامعه را می‌گیرد و امکان بحران آفرینی توسط گانگسترهایی چون آمریکا را پایین می‌آورد بلکه شانس گسترش مبارزات ضد سرمایه‌داری را به متروپل سرمایه‌داری



افزایش می‌دهد. در تکامل مبارزه طبقاتی، مداخله سیاسی جناح راست سرمایه و تبدیل کردن طبقه کارگر به سیاهی لشکر منافع ارتجاعی خود پائین می‌آید.

اعتراضات و اعتصابات معلمان، کارگران هپکو، گروه ملی فولاد، صنعت نیشکر هفت‌تپه از ویژگی‌های خاصی برخوردار هستند. بررسی و جمع‌بندی مسئولانه درسهای این مبارزات برای بکار گرفتن این درسها در نبردهای آتی حیاتی و ضروری است. تاثیرات این مبارزات، بخصوص نبردهای کارگران نیشکر هفت‌تپه علیرغم تمامی نکات ضعف در نبردهای آتی بسیار مفید خواهد بود.

گرایشات متفاوت چپ دستگاه سیاسی سرمایه، تبیینی متفاوت از اعتراضات کارگری ارائه داده اند. کلام رادیکال‌ترین شان با مسخ مفهوم واژه‌های مارکسیستی شعار پیش به سوی انقلاب دادند و اعلام کردند شوراهای کارگری که در شرکت نیشکر هفت‌تپه شکل گرفته، راه حل طبقه کارگر در مقطع کنونی است. کمونیسم شورائی دفرمه شده سرمایه پیرامونی، قهرمانان تصرف شورائی کارخانه شدند و افسوس خوردند از اینکه رفرمیسم تصرف شورائی را به شکست کشاند. در مقابل این گرایشات، انترناسیونالیست‌ها نیز باید با بررسی و جمع‌بندی مبارزات و اعتصابات کارگری، ضمن درس‌گیری از این مبارزات و اعتصابات، افق و وظایف خود را ترسیم نمایند.

## نقش طبقه کارگر در تولید ارزش اضافی

ایران در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ با رشد منفی اقتصادی مواجه بود و رشد اقتصادی بخشی از برنامه های اقتصادی روحانی بود. حسن روحانی با توهم پراکنی و با وعده اصلاحات و در جریان کارزار انتخاباتی خود در سال ۱۳۹۲ وعده حل مشکلات اقتصادی را داد. وعده داد با راه اندازی کارخانه ها و مراکز تولیدی که با مشکل مواجه شده اند، رونق اقتصادی خواهد گرفت و شرایط زندگی مردم بهبود خواهد یافت.

ایران در سال ۲۰۱۱ در رده بندی اقتصادهای بزرگ دنیا رتبه ۲۱ را احراز کرده بود. بدنبال تشدید تحریم های کشورهای غربی و افت تولید ناخالص داخلی به همراه کاهش شدید قیمت نفت که رشد منفی اقتصادی را به همراه داشت در سال ۲۰۱۴ به جایگاه ۲۸ نزول پیدا کرد.[۲] سوال اساسی که مطرح می شود این است باوجود رشد منفی اقتصادی و افت تولید ناخالص داخلی، ارزش اضافه ای که طبقه کارگر به جامعه تحویل داده است، چقدر بوده است؟ آخرین آمار منتشر شده از طرف اداره آمار ایران مربوط به سال ۱۳۹۳ است.

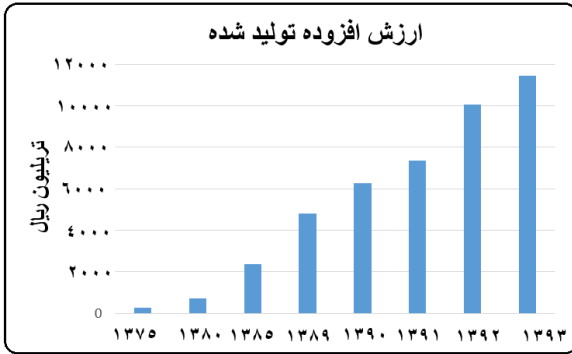
## کل ارزش افزوده تولید

شده در سال ۱۳۹۳ حدود

۱۱۴۳۸۹۱۹ میلیارد ریال

بوده است. [۳] باور کردنی

نیست ولی واقعیت دارد، در



سال ۱۳۹۳ هر نیروی کار بطور میانگین ۳۱ میلیون تومان ارزش اضافه تحویل طبقه بورژوا داده است. نمودار روبرو نشان می دهد که ارزش افزوده طبقه کارگر حتی علیرغم رشد منفی اقتصادی در سالهای ۱۳۹۲ و ۱۳۹۱ به طبقه بورژوا سال به سال افزایش یافته است.

بعد از اتمام جنگ ارتجاعی ایران-عراق که صنعت و زیربنای هر دو کشور ویران شده بود، زمانی که رفسنجانی رئیس جمهور شد، لقب او از سردار عملیاتی به سردار سازندگی تغییر پیدا کرد. او اعلام کرد که ایران به یک کشور مدرن، صنعتی، به لحاظ پیشرفتهای اقتصادی و صنعتی خیلی شبیه ژاپن، یک «ژاپن اسلامی» خواهد شد. همگان دیدند ژاپن اسلامی، چه بربریتی نه تنها برای طبقه کارگر بلکه برای اکثریت عظیم افراد جامعه بوده است. بعد از ۳۰ سال از اظهارات آن جنایتکار، ولی فقیه بورژوازی اسلامی همان اراجیف را دوباره نشخوار می کند. اخیرا سایت اطلاع

رسانی ولی فقیه، سند اولیه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را منتشر کرده است. بر طبق این سند قرار است ایران در سال ۱۴۴۴ شمسی، یکی از ۱۰ اقتصاد بزرگ دنیا شود و از نظر سطح پیشرفت در شمار چهار کشور برتر آسیا و هفت کشور برتر دنیا شود. [۴]

این در حالی است که صندوق بین المللی پول در ارزیابی تازه خود، نرخ رشد اقتصادی ایران را بخاطر خروج آمریکا از برجام ۱,۵ درصد منفی ارزیابی کرد. مرکز پژوهش های مجلس بورژوازی اسلامی پیش بینی بدتری از صندوق بین المللی پول ارزیابی کرد. مرکز پژوهش های بورژوازی در خوشبینانه ترین حالت نیم درصد منفی و در بدبینانه ترین حالت ۲,۸ درصد منفی را بخاطر تحریم های اقتصادی پیش بینی کرد. رشد اقتصادی در سال گذشته ۳,۷ درصد بوده است. از زمان خروج آمریکا از برجام، ارزش پول ملی ۱۵۰ درصد کاهش یافته است. رئیس کمیته مزد کانون عالی شورا، یک نهاد بورژوائی خود اعلام کرده است که قدرت خرید کارگران ۹۰ درصد کاهش یافته است. [۵]



در یک اقدام نمادین  
کارگران کارخانه تولیدی  
کیان کُرد در ملایر در  
اردیبهشت ۱۳۹۷ در اعتراض به  
عدم پرداخت مطالبات معوقه

خود، سفره ای خالی که تنها چند آجر بر روی آن قرار داشت پهن کردند، تا شرایط  
زندگی خود را نشان دهند. این در حالی است که بورژوازی اسلامی هر روز فربه تر  
می شود و زندگی انگلی و تجملاتی آن در کاخ های رویائی حتی قابله مقایسه با  
بورژوازی متروپل نیست.

## شلاق زدن کارگران

اوایل دی ۱۳۹۳ شرکت پیمانکاری «پویا زرکان» ۳۵۰ کارگر فصلی معدن را با ۱۰ سال سابقه که به واسطه این شرکت در معدن «آق دره» کار می‌کردند اخراج کرد. ۵ دی ۱۳۹۳ کارگران اخراجی خواستار گفتگو با مدیریت برای بازگشت به کار شدند که مدیریت آنرا نپذیرفت. اجتماع کارگران درب معدن و درگیری کارگران معترض با نگهبانان تجمع غیرقانونی اطلاق شد. روز ۶ دی ۱۳۹۳ کارگران اخراجی در محوطه معدن تحصن کردند. در این روز ۳ تن از کارگران بخاطر شرایط روحی خراب اقدام به خودکشی کردند، اما نجات یافتند. با شکایت کارفرما، دستگاه قضائی بورژوائی علیه ۱۷ کارگر، علیه ۱۷ برده مزدی اعلام جرم کرد. اتهام کارگران، ایجاد اغتشاش، تخریب عمدی و ممانعت از کسب و کار بود. کارگران، این بردگان مزدی بسته به اتهامشان به ۳۰ تا ۱۰۰ ضربه شلاق، حبس تعزیری و جریمه نقدی محکوم شدند.

کارگران تمام هستی شان را فروختند تا هزینه وکیل کنند. علیرغم داشتن وکیل محکومیت شان قطعی شد و مجازات زندان، شلاق و پرداخت جریمه درباره شان اعمال شد.



خرداد ۱۳۹۵ جنایتکاران بورژوازی  
اسلامی حکم شلاق ۸ کارگر معدن  
معارض به بیکاری خود را در ملا عام  
اجرا کردند.

توکل حیدری رئیس کل دادگستری استان ضمن دفاع از اجرای حکم شلاق اظهار داشت این اشخاص نه بخاطر کارگر بودنشان، بلکه بخاطر برهم زدن نظم و امنیت عمومی شلاق خورده اند. به عبارت بهتر این جنایتکار اعتراض کارگر به بیکاری خود را تا سطح ارازل و اوباش تنزل می دهد و از بر هم زدن نظم سرمایه به خشم آمده است. حافظ نظم سرمایه چنین می گوید:

"این موضوع اجرای حکم شلاق برای کارگران نبوده است بلکه این افراد  
برهم زنندگان نظم و امنیت عمومی بودند." [۶]

پس از این جنایت سوءسابقه بر پیشانی کارگران نقش بست و کارفرمایان به کارگرانی که اتهام اغتشاش، تخریب و غیره در سابقه کیفری شان هست، دیگر کار نمی دهند. الان بیکاری بزرگترین کابوس این شلاق خوردگان بردگی مزدی است.

روزی که این بردگان مزدی شلاق خوردند، کل طبقه کارگر شلاق خورد. روزی بود که جنایتکاران بورژوازی، قدرت خدائی احساس کردند و به خود جرات دادند به طبقه کارگر شلاق بزنند.

کارگران این بخش از محرومترین بخشهای طبقه کارگر هستند. یکی از مهمترین نکات ضعف کارگران معترض نکشاندن موضوع محکومیت شان به سایر کارگران و تقاضای همبستگی طبقاتی کردن از همکاران طبقاتی خود بود. به جای توسل شدن به قدرت طبقاتی کارگران و افکار عمومی و کشاندن اعتراض به جامعه، به وکیل متوسل شدند. همزمان واکنش منفعلانه دیگر بخشهای طبقه کارگر در این رابطه باعث شد، جنایتکاران احساس قدرت کنند.



## خودکشی کارگران

"خودکشی در میان کارگران، یک اپیدمی شده است" [۷]

عنوان مقاله یکی از روزنامه های حکومتی بورژوائی است. متأسفانه آمار دقیقی از خودکشی یا خودسوزی کارگران بخاطر اضطراب ناشی از کار، اخراج از کار و یا مشکلات معیشتی وجود ندارد، اما آمار رسمی که دقیق نیستند بیانگر آن است که حداقل ۹ کارگر اقدام به خودکشی کرده اند. در تیترو روزنامه های بورژوائی میتوان خواند، خودکشی کارگر قطار شهری، خودکشی کارگر شهرداری، خودکشی یک کارگر در تبریز و...

۸ اسفند ۱۳۹۶ علی نقدی کارگر معترض مجتمع نیشکر هفت تپه با ۲۷ سال سابقه کار و در سن ۵۰ سالگی بخاطر فشار روانی ناشی از وصول نشدن مطالبات خود،



خود را به کانال آب انداخت و به زندگی خود پایان داد (عکس روبرو). آخرین جملات او قبل از خودکشی چنین بود:

"از این وضعیت خسته شده و می‌خواهم خودکشی کنم تا شاید مسؤلان

شرکت به فکر مطالبات چندین ساله همکاران بیفتند." [۸]

خودکشی کارگران مخصوص سرمایه پیرامونی نیست بلکه محصول سرمایه‌داری است. در متروپل سرمایه‌داری، در مهد تمدن بورژوازی، فرانسه، اضطراب کاری، رنج و مشقت ناشی از کار عاملی برای موجی از خودکشی‌ها بوده است. روزنامه گاردین طی گزارشی تحت عنوان "موجی از خودکشی کارکنان شرکت مخابرات فرانسه" [۹] می‌نویسد که در ۱۸ ماه گذشته (تاریخ انتشار گزارش) در موجی از خودکشی کارکنان مخابرات که بیش از ۲۰ کارگر خودکشی کرده‌اند - نامه‌هایی بجا گذاشته‌اند که علت خودکشی‌شان اضطراب کار و فشار ناشی از کار بوده است.

قطعا خودکشی کارگران زمانی اتفاق می‌افتد که مبارزه طبقاتی بشدت تدافعی است و برده‌مزدی هیچ‌افق و دورنمای روشنی برای خود نمی‌بیند و سطح همبستگی بین کارگران پائین است. در چنین شرایطی تنها چاره کار را خلاصی از نکبت سرمایه می‌بیند. با تکامل مبارزه طبقاتی، هم‌همبستگی طبقاتی بین کارگران بالا می‌رود و هم‌افق روشنی پیش روی، کارگر معترض قرار می‌گیرد و به جای کشتن خود، نظام بربر و غیر انسانی سرمایه‌داری را به چالش می‌کشد.

## اعتصاب معلمان

معلمان نقش موثری در اعتراضات و اعتصابات ۱۳۵۹ - ۱۳۵۶ ایفا کردند، معلمان به لحاظ تاریخی جزو قشر معترض جامعه بوده اند، با حمام خونی که بورژوازی اسلامی در دهه ۶۰ براه انداخت، نسلی از معلمان به زنجیر کشیده شده و یا به خون غلتیدند. تنها در سایه این سرکوب سیستماتیک بود که بورژوازی توانست صدای معلمان را خفه کند. بیش از دو دهه طول کشید تا مجدداً معلمان توانستند صدای اعتراض خود را بلند کنند. معلمان در اعتراض به پائین بودن سطح دستمزدها خود بین سالهای ۱۳۸۵ - ۱۳۸۰ دست به یک سلسله اعتراضات زدند. از جمله تجمع در میدان بهارستان و یا تجمع در مقابل مجلس تا اعتراضات خیابانی و تحصن در مدرسه. ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ در اعتراض به سطح معیشتی خود و کالائی شدن آموزش



و پرورش معلمان اعتراضات خود را با اجتماع در مقابل ساختمان برنامه و بودجه شروع کردند. در جریان این اعتراض عده ای از

معلمان دستگیر شدند و به زندان های طولانی مدت و جریمه نقدی محکوم شدند.

دور جدید اعتراضات معلمان با اعتصاب دو روزه و تحصن شروع شد. روزهای ۲۲

و ۲۳ مهر ۱۳۹۷ معلمان در اعتراض به گرانی، تورم، وضع بد سطح معیشتی و زندانی شدن همکاران خود دست به اعتراض زده و در کلاس های درس حاضر نشدند و در دفتر مدرسه تحصن کردند. اعتصاب این دوره معلمان از ویژگیهای خاصی برخوردار بود که به بخشی از آنها اشاره می شود:

اولین ویژگی اعتصاب معلمان سراسری بودن آن بود. اعتصاب حداقل به ۵۵ شهر و روستا گسترش یافت. برای نخستین بار معلمان توانستند در اقدامی هماهنگ کلاس های درسی را در صدها مدرسه همزمان در روزهای ۲۲ و ۲۳ مهر به تعطیلی بکشانند.



دومین ویژگی اعتصاب معلمان، همزمانی این اعتراض با اعتراضات کارگری و اعتصاب رانندگان و کامیون داران بود. جو اعتراض در

جامعه حاکم بود و نوعی همبستگی طبقاتی، هر چند زودگذر بوجود آورده بود.

سومین ویژگی این اعتراض برای مقابله با سانسور مدیای بورژوائی، استفاده

معلمان از شبکه های اجتماعی برای انعکاس صدای خود بود.

این ویژگیها باعث شد نه تنها فشار روی معلمان کمتر از اعتراضات قبلی باشد و

صدایشان بهتر شنیده شود بلکه حمایت دانش آموزان و دانشجویان و بخصوص

کارگران را به همراه داشته باشد. کوتاه مدت بودن اعتصاب و انزوای اعتراض فقط به داخل مدرسه و نکشاندن اعتصاب به اجتماع، جامعه و بخصوص دانش آموزان از نکات ضعف این اعتراضات میتواند باشد. اگر اعتراضات به دانش آموزان کشیده می شد، قطعاً بازتاب بیشتری در جامعه ایفا می کرد.

## اعتصاب رانندگان و کامیون داران

موج اول اعتصاب سراسری رانندگان و کامیونداران اول خرداد ۱۳۹۷ شروع شد که به حدود ۱۶۰ شهر سرایت کرد. موج دوم اعتصاب سراسری رانندگان و



کامیونداران اول مهر ۱۳۹۷ شروع شد و اینبار اعتصاب به بیش از ۲۰۰ شهر سرایت کرد (بالا بردن جک کامیونها بیانگر اعتصاب رانندگان است). در بعضی شهرها برای مثال

شیراز رانندگان مینی بوس نیز به اعتصاب سراسری پیوستند.

افزایش قیمت بیمه‌ها، عوارض اتوبان‌ها، کمیسیون بالای باربری‌ها، هزینه بالای تعمیرات و قیمت بالای لوازم یدکی، کاهش سهمیه سوخت و گران شدن لوازم خودرو مثل لاستیک و روغن و غیره از دلایل اعتصاب بودند.

این اعتصاب باعث کمبود گازوئیل و بنزین شد، صف‌های دراز در برابر جایگاه‌های توزیع سوخت تشکیل شد. این اعتصاب همچنین تامین برخی محصولات اساسی را در بازار با مشکل روبرو کرد. برای شکستن اعتصاب دولت از تانکرهای

سوخت سپاه و ارتش استفاده کرد. رانندگان سعی کردند مانع حرکت این تانکرها با اسکورت نظامی بشوند. رانندگان اعتصابی با سنگ پرانی و تهدید مانع حمل بار توسط اعتصاب شکنان شدند. قوه قضائیه بورژوازی رانندگان سنگ پران را اخلاص گران حمل و نقل توصیف کرد و اعلام کرد حکم آنها محاربه است یعنی اعدام هستند.[۱۰] در موج دوم بیش از ۲۵۰ نفر در شهرهای مختلف دستگیر شدند.



باندرولی که جلوی یکی از کامیونها نصب شده است (عکس روبرو) هم دلایل اعتصاب و هم چگونگی امکان پیروزی را مطرح

می سازد. رانندگان رو به کارگران و معلمان اعلام میدارند که درد ما، درد شماست و پیروزی اعتصاب ما، در گرو حمایت شماست. رانندگان نه به جناحی از بورژوازی متوسل شدند و نه به مقامات دولتی، بلکه حمایت طبقه کارگر را ضامن پیروزی اعتصاب خود اعلام کردند. این ویژگی، با جهت گیری طبقاتی اعتصاب رانندگان را از اعتراضات و اعتصابات قبلی متمایز می سازد. این مهمترین ویژگی این اعتصاب و مهمترین نکته قوت آن بود. از دیگر نکات قوت این اعتصاب، گسترش اعتصاب، به بیش از ۲۰۰ شهر بود. از نکات ضعف اعتصاب میتوان به عدم گسترش اعتصاب

به دیگر صنایع یا واحدها نام برد. به عبارت بهتر همبستگی با رانندگان بیشتر در حد سمبلیک باقی ماند. اعتصاب رانندگان و کامیونداران با تصمیم دولت برای افزایش کرایه ها و کمک به رانندگان و کامیون داران موقتا متوقف شد.



## اعتصاب کارگران ماشین سازی هپکو



شرکت هپکو در سال ۱۳۵۳ در حوزه صنایع سنگین در اراک تاسیس شد و تولید کننده ماشین آلات راه سازی، معدنی

و کشاورزی است. بدنبال حوادث سال ۱۳۵۷ دولتی شد و در جریان خصوصی سازیها در سال ۱۳۸۶ به بخش خصوصی واگذار شد. زمانی تولید سالیانه این شرکت حدود ۲۴۰۰ دستگاه بود و یکی از سودآورترین گروههای صنعتی بود. از یک سو سرمایه داری پیرامونی در بحران و از سوی دیگر تحریم های کشورهای غربی، با پشتیبانی کشورهای عربی و در کنار اینها جاه طلبی های امپریالیستی بورژوازی اسلامی، صنایع ایران را با مشکلات جدی مواجه ساخته است. سرمایه داری متروپل همیشه در تلاش بوده تا بار بحران سرمایه داری را به سرمایه داری پیرامونی منتقل کند. به همین خاطر است که عوارض بحران سرمایه داری در سرمایه داری پیرامونی وحشیانه تر و غیر انسانی تر از سرمایه داری متروپل خود را نشان می دهد. در کنار بحران سرمایه داری، بلوک آمریکا-اسرائیل-عربستان جنگ اقتصادی-روانی را علیه ایران براه انداخته اند تا اقتصاد ایران را به ورشکستگی بکشانند تا کارگران به وضع

موجود اعتراض کرده و نقش سیاهی لشکر را برای این بلوک ایفا کنند. اما رادیکال شدن مبارزات کارگری عکس این سیاست را ایفا خواهد کرد، به عبارت دیگر اگر رادیکال شدن مبارزات همچنان ادامه پیدا کند، امکان گسترش خود این اعتراضات و اعتصابات کارگری به این کشورها وجود دارد.

در چنین زمینه‌ائی است که بخشی از صنایع در حال ورشکستگی هستند. ماشین سازی هپکو یکی از اینها است. این کارخانه از اوایل دهه ۹۰ شمسی با مشکلات جدی مواجه بوده است و تولید آن بسیار محدود بوده است و با تهدید ورشکستگی روبرو است. چرخه تولید این گروه صنعتی عملاً خاموش شده است. احیای تولید کارخانه، امنیت شغلی و مطالبات معوقه از خواستهای اصلی کارگران معترض است. در این کارخانه بخاطر خوابیدن خط تولید، کارگران نمی‌توانند از اهرم اعتصاب برای پیشبرد خواستهای خود استفاده کنند، چون عملاً تولیدی وجود ندارد تا از زیان اقتصادی به کارفرما استفاده کنند بلکه از اهرم اعتراض و تظاهرات در داخل شهر استفاده کرده‌اند. در واقع یکی از خواستهای اصلی کارگران آغاز مجدد خط تولید و ادامه کاری تولید بخاطر امنیت شغلی است.

سال گذشته در ۲۸ شهریور ۱۳۹۶ کارگران هپکو و آذرآب دست به اعتراض زدند و تظاهرات را به داخل شهر کشاندند تا حمایت دیگر صنایع و مردم را جلب



کنند. بورژوازی بیش از هر چیز از گسترش اعتراضات کارگری به دیگر صنایع وحشت دارد. بورژوازی نه تنها به خواسته‌های کارگران پاسخی نداد

بلکه به حربه پلیس ضد شورش متوسل شد. پلیس ضد شورش با گاز اشک آور و



باتوم به صفوف کارگران معترض حمله کرد. در این نبرد خیابانی، پلیس ضد شورش، تنها پس از زخمی کردن تعداد زیادی از کارگران توانست

صفوف کارگران معترض را درهم بشکنند و فاتح خیابان شود. بدنبال آن دستگاه قضائی بورژوازی برای ۲۰ تن از کارگران، حکم احضار ارسال کرد که در آن کارگران به اخلال در نظم و شرکت در تجمع‌های غیر قانونی متهم شده‌اند و برای کارگران پرونده قضائی تشکیل شده است. کارگران معترض به اخراج تهدید شده‌اند.



دور جدید اعتراضات کارگری را  
حدود هزار کارگر هیکو در اعتراض  
به مطالبات معوقه (معوقات مزدی و

بیمه ای) و نامشخص بودن وضعیت کارخانه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۷ شروع کردند. آنها  
روز اول جلو کارخانه تجمع کردند اما از روز دوم به بعد خط راه آهن شمال به  
جنوب را مسدود کردند، کارگران تا ۳۱ اردیبهشت به مسئولان اولتیماتوم دادند. در  
۳۱ اردیبهشت مجدداً با بستن خط راه آهن شمال به جنوب، تردد قطارها را مسدود  
کردند. بدنبال آن دادستانی ده کارگر را احضار کرد که ۵ نفر از آنان بازداشت شدند  
که منجر به اعتراضات مجدد کارگران شد. سرانجام با آزادی کارگران زندانی و  
پرداخت ۳ ماه از حقوق های معوقه و مالکیت کارخانه موقتا به دولت واگذار گردید،  
اعتراضات کارگران هیکو به پایان رسید.

## اعتصاب کارگران گروه ملی صنعتی فولاد



اولین کارخانه گروه ملی صنعتی فولاد در سال ۱۳۴۲ تأسیس شد و بتدریج سایر کارخانه ها و کارگاهها به آن افزوده شدند و حدود چهار

هزار کارگر در آن مشغول به کار هستند. ظرفیت کل تولید این مجتمع صنعتی در دوران شکوفائی حدود ۲ میلیون تن در سال بود و این مجتمع یکی از صادر کنندگان مهم محصولات فولادی بود. ظرفیت کارخانه در پی بحران های اقتصادی اخیر از ۱۰۰ درصد به ۵ درصد سقوط کرده است. خط تولید عملاً خوابیده و کاری برای انجام نیست و این مسئله مفهوم اعتصاب را از بین برده و کارگران به جای اعتصاب به اعتراض خیابانی دست میزنند. راه اندازی خط تولید و تداوم تولید یکی از مطالبات کارگران است.

گروه ملی صنعتی فولاد در سالهای گذشته شاهد اعتراضات کارگری بوده است. دور جدید اعتراضات کارگری گروه ملی صنعتی فولاد ۱۸ آبان ۱۳۷۹ جلو استانداری شروع شد. خواستهای کارگران دولتی شدن شرکت، امنیت شغلی، راه

اندازی خط تولید، پرداخت مطالبات مزدی معوقه و بیمه درمانی بود. با تداوم اعتراضات، خانواده های کارگران نیز به اعتراضات پیوستند. همزمانی اعتراضات کارگری گروه ملی صنعتی فولاد با اعتراضات و اعتصابات شرکت نیشکر هفت تپه، جو مبارزاتی را بشدت بالا برده بود. شعارهای کارگران روز به روز رادیکال تر و ضد سرمایه داری می شد که به تعدادی از آنها اشاره می شود:

- "ما کارگران آهنیم، ریشه ظلم را می کنیم"
- "ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیداد، میجنگیم، میجنگیم"
- "نه تهدید، نه زندان، دیگه فایده نداره"
- "دشمن همینجاست، دروغ میگن آمریکاست"

از شروع اعتراضات گروه ملی صنعتی فولاد، شهر اهواز صحنه پرشکوه اعتراضات کارگری همه روزه کارگران گروه ملی صنعتی فولاد بوده است. با پیوستن خانواده های کارگری به اعتراضات کارگری، مبارزات کارگری جلوه پرشکوهی به خود گرفت و تاثیر اعتراضات در جامعه بیشتر از قبل شد.

کارگران قدرت لایزالی دارند اگر متحد شوند قادر به انجام کارهای خارق العاده ای هستند که قابل تصور نیستند. یکی از صحنه های دیدنی و جالب قدرت کارگران ۳ آذر ۱۳۹۷ است. کارگران معترض فولاد اهواز قصد ورود به خیابان نادری را



داشتند که با صفوف پلیس ضد شورش با آن همه تجهیزات مواجه می شوند. پلیس ضد شورش با آن همه ابهت اش نتوانست مانع پیشروی کارگران معترض شود. برعکس صف

پلیس ضد شورش در مقابل سیل خروشان و متحدانه کارگران فولاد از هم پاشید و پلیس ضد شورش مجبور به فرار شد و کارگران با گامهای استوار به پیش رفتند. چه زیباست، دیدن صحنه فرار پلیس ضد شورش از مقابل کارگران معترض.

تداوم مبارزه بردگان مزدی و بخصوص گسترش اخبار این مبارزات به دیگر بخش های طبقه کارگر، برای بورژوازی قابل تحمل نبود. نیمه شب ۲۵ آذر و ۲۶ آذر ۱۳۹۷ نیروهای سرکوبگر و امنیتی سرمایه به خانه کارگران معترض، به خانه سازمان دهندگان اعتراضات کارگری وحشیانه حمله کردند. قلدان مدافع سرمایه با ضرب و شتم کارگران جلوی چشم اعضای خانواده و با مصادره تلفن، موبایل و کامپیوتر، دهها معترض بردگی مزدی را ربوده و به زندانهای سرمایه منتقل کردند. طی دو شب جنایتکاران بورژوازی اسلامی ۴۳ کارگر، ۴۳ برده مزدی گروه ملی

فولاد را بازداشت کردند و به زندان اهواز منتقل کردند. برای جلوگیری از بازداشت بخشی از کارگران شب ها را در خیابانها گذرانند.

بورژوازی اسلامی تلاش خود را کرد تا با ایجاد رعب و وحشت جلوی اعتراضات کارگری را در داخل شهر بگیرد. علیرغم اینها کارگران با برگزاری اعتراضات کارگری که با محاصره نیروهای امنیتی همراه بود با شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد" خشم و نفرت خود را از نظام بربر سرمایه ابراز کردند.

در روزهای اخیر خانواده های کارگران زندانی، بخصوص فرزندان کارگران با تجمع در مقابل استانداری خواهان آزادی والدین خود شدند. شگرد نیروهای امنیتی، برای اینکه حساسیت افکار عمومی برانگیخته نشود، نه حمله به صفوف کارگران معترض در روز روشن، بلکه دستگیری شبانه کارگران پیشرو، ایجاد رعب و وحشت در آنان، سپس آزادی چند تن آنان در هر روز پس از تهدیدات است. نکته حائز اهمیت این است که بخش زیادی از این کارگران قبلا با قرار وثیقه بخاطر اعتراضات کارگری آزاد شده اند. هنوز هفت نفر از کارگران گروه ملی فولاد در زندانها سرمایه هستند.

بورژوازی اسلامی سرانجام با سرکوب دولت پلیسی و با فرسایشی کردن اعتراضات کارگری گروه ملی فولاد توانست موقتا اعتراضات کارگران فولاد را به



شکست بکشاند. روزنامه های حکومتی خبر دیدار چند نماینده کارگران فولاد را با وزرای کار و صنعت اعلام کردند که در آن ضمن پیگیری بازداشتی ها، مسئله راه اندازی مجدد تولید شرکت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. [۱۱]

سنگفرش های خیابان های اهواز زیر پای پر صلابت کارگران به لرزه درآمده بود، پلیس ضد شورش سرمایه پا بفرار گذاشته بود. برده مزدی نه آمریکا را بلکه بورژوازی خودی را، دشمن خود، ارزیابی کرد. ابهت بورژوازی شکسته شد. بورژوازی اسلامی قصد انتقام گیری از مبارزات کارگران گروه ملی فولاد را دارد. بورژوازی زمزمه احیای شورای اسلامی کار را در این مجتمع مطرح کرده است که به اندازه، به زنجیر کشیدن و محاکمه بردگان مزدی خطرناک است. مبارزه مستقل کارگران بدون توسل به جناح های حکومتی و یا مذهبی، مطرح شدن شعارهای ضد سرمایه داری و گسترش اعتراضات بسوی جامعه از نکات قوت این اعتراضات بوده است. نبود رهبران اعتصابی جسور و آگاه به منافع طبقاتی در حد هفت تپه و گسترش پیدا نکردن این مبارزات پر شکوه به دیگر صنایع و بخش های طبقه کارگر از نکات ضعف آن بوده است.

## اعتصاب کارگران هفت تپه

شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه از سال ۱۳۴۰ به عنوان یک قطب کشاورزی علمی شروع به فعالیت کرد و یکی از بزرگترین کارخانه های صنعتی استان خوزستان است. بدنبال خصوصی سازیها در سال ۱۳۹۴ به بخش خصوصی



واگذار شد. حدود ۶ هزار نفر در این شرکت کار می کنند. در ۱۵ سال گذشته این مجتمع صنعتی شاهد اعتراضات و اعتصابات کارگری بوده است. کارگران در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ با شعار «ما کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم، گرسنه ایم» به سطح معیشتی خود اعتراض کردند. اما در سال ۱۳۸۶

اعتراضات و اعتصاب ها شکل تحصن در کارخانه و یا مکان های دولتی و یا کشاندن اعتراضات به داخل شهر شوش و غیره شکل گرفت. در سال ۱۳۹۶ بدنبال اعتراضات و اعتصاب ۱۵ نفر از کارگران نیمه شب توسط نیروی انتظامی بازداشت شدند و حدود ۴۰ تن نیز به دادگستری احضار شدند.

در تابستان ۱۳۹۷ کارگران نیشکر هفت تپه با برگزاری انتخابات، شورای مستقل کارگری را انتخاب کردند که شامل ۲۲ نماینده می شد. مجمع نمایندگان هفت تپه از مرداد ماه کار خود را آغاز کرد که از آن جمله میتوان به سازماندهی اعتصاب، بازگرداندن اخراجیها، افشای اسناد محرمانه، نظارت بر حسابها و غیره نام برد. اسماعیل بخشی در رابطه با شورای مستقل کارگری چنین میگوید:

"وقتی می گوئیم شورای مستقل کارگری در هفت تپه تشکیل شد، برخی گمان می کنند که این شورا همان شورای غایی است که به حد اعلای رسیده. خیر! ما ابتدای راهیم و زمان میبرد که حتی بین خود کارگران هفت تپه این موضوع تفهیم شود که کار شورایی چه هست... من مدعی نیستم که شوراهای کارگران هفت تپه عینا منطبق بر تئوری و تعریف شوراهاست که در مورد آن به تفصیل صحبت شده؛ بلکه طبق روان شناسی فضای فکری و فرهنگی و واقعیت های موجود در فضای کارگری هفت تپه، تفکر شورایی خودش را نشون داد و غالب شد." [۱۲]

دور جدید اعتراضات و اعتصابات کارگری شرکت هفت تپه از ۱۴ آبان ۱۳۹۷

در اعتراض به حقوق های عقب افتاده، مشکلات اقتصادی و معیشتی و امنیت شغلی



(خصوصی سازی) آغاز شد.

برای اولین بار پس از حمام خون

بورژوازی اسلامی در دهه ۶۰،

رهبر اعتصابی (اسماعیل بخشی)

با صدای رسا برای هزاران نفر، نه از کارگران بلکه از طبقه کارگر نام می برد و معضل

طبقه کارگر را نه ناشی از شرایط بد اقتصادی کارفرمایان بلکه عملکرد طبقه سرمایه

دار ارزیابی می کند. تاکید او بر **طبقه** خاری در چشمان بورژوازی است. او در

سخنرانی خود چنین گفت:

"آن چه مسئولین راجع به شرایط بد اقتصادی کارفرمایان اعلام می کنند؛

به کارگران ارتباطی ندارد. و شرایط امروز به دلیل عملکرد طبقه

سرمایه داری بوده است بنابراین دلیل وجود ندارد تا طبقه کارگر را تحت

فشار قرار دهند." [۱۳]

اسماعیل بخشی طی سخنرانی خود برای کارگران اعتصابی دو آلترناتیو را پیش روی کارگران قرار می‌دهد و اظهار می‌دارد کارگران باید برای سرنوشت خود تصمیم بگیرند. او چنین می‌گوید:

"دو راه حل وجود دارد که در نهایت خودتان بایست در مورد آن تصمیم بگیرید. یکی آن است که هفت‌تپه کاملاً به دست کارگران اداره شود. کمیته‌ای تشکیل خواهیم داد و شورایی هفت‌تپه را اداره می‌کنیم. نگران نباشید. تمام تخصص‌ها را داریم. مگر تا امروز چه کسی هفت‌تپه را اداره کرده؟ اعتماد به نفس داشته باشید. به خود ایمان داشته باشید. می‌توانیم هفت‌تپه را خودمان اداره بکنیم. این آرزوی من است که روزی بتوانیم هفت‌تپه را خودگردان اداره کنیم. راه حل دیگر اینکه فرض کنیم که اجازه اداره خودگردان هفت‌تپه را به ما ندهند و یا شرایط لازم وجود ندارد گرچه ما شکل شورایی خود را حفظ می‌کنیم. در این صورت اگر دولت قصد دارد که شرکت را بگیرد دیگر نه همچون گذشته، بلکه دولت باید صفر تا صد امور را زیر نظر شورای کارگری و زیر نظر عموم کارگران کار کند. مگر نمایندگان دولت با این حضرات چه فرقی دارند؟ آنها هم می‌توانند شرکت

را برای چندمین بار به نابودی بکشانند و ما دوباره روز از نو روزی از نو.

آلترناتیو ما شورا و نظر جمعی است." [۱۴]

ما مسئله شوراهای کارگری و مدیریت کارگری را از افق مارکسیستی در صفحات بعدی بررسی خواهیم کرد. روز به روز اعتراضات کارگری رادیکالتر می شد و اسماعیل بخشی به سمبل مبارزه طبقه کارگر تبدیل شده بود. ۲۷ آبان ۱۳۹۷ اعتراضات کارگری به داخل شهر کشیده شده بود. پلیس ضد شورش و یگان ویژه کارگران معترض را در محاصر خود داشت. رهبر اعتصابیون شعار "نان، کار، آزادی، اداره شورایی" را مطرح کرد. شنیدن این شعار از بلندگوی کارگران اعتصابی لرزه بر اندام بورژوازی انداخت. رهبر اعتصابیون رو به کارگران گفت، یک شعار را محکم تکرار کنید تا پلیس ضد شورش که حقوقش از دسترنج ما پرداخت می شود، خوب بفهمد، "نه تهدید، نه زندان، دیگر اثر ندارد".

برای اولین بار پس از حمام خون بورژوازی در دهه ۶۰، از بلندگوی کارگران اعتصابی، رو به هزاران کارگر معترض، آن هم در وسط شهر، اداره شورایی مطرح می شد. برای بورژوازی این دیگر کفر مطلق بود. اسماعیل عواقب حرفهای

خود را خوب می فهمید و میدانست بهائی سنگین بخاطر آنها پرداخت خواهد کرد.  
لذا سخنان خود را چنین پایان برد:

"تنها وصیتی که دارم، مرگ حق است، اگر اسماعیل بخشی به هر دلیلی مرد،  
کسی حق ندارد جنازه اش را خاک کند، تابوت اش را می آرید تو اعتصاب،  
مرده من فریاد میزند."

همان روز یعنی ۲۷ آبان ۱۳۹۷ جنایتکاران بورژوازی اسلامی، عملیات کثیف  
خود را شروع کردند. نیروهای امنیتی ۱۸ کارگر معترض، نمایندگان کارگران را به  
همراه سپیده قلیان که اخبار اعتراضات کارگری را منعکس می کرد، بازداشت  
کردند. بورژوازی با تجربه عمل کرد، متوجه شد سرکوب خشن، در روز روشن  
شرایط را بدتر خواهد کرد و منجر به رادیکال شدن مبارزات کارگری خواهد شد.  
لذا نیروهای امنیتی به استثنای چند نفر رهبران رادیکال بقیه دستگیر شدگان را بتدریج  
و با وثیقه آزاد کرد. اعتراضات کارگران این بار با شعار "**من هم بخشی هستم**"  
ادامه یافت اما بورژوازی با به زنجیر کشیدن رادیکال ترین نماینده کارگری (اسماعیل  
بخشی) سر اعتصاب را زده بود. بورژوازی به سیاست کثیف تفرقه متوسل شد ضمن

به زنجیر کشیدن نماینده رادیکال کارگران همزمان به تقویت نمایندگان سازشکار پرداخت.

با دستگیری رهبران آگاه و جسور اعتصابی، نمایندگان سازشکار و خیانتکار فرصت پیدا کردند تا به زد و بند با مقامات دولتی و کارفرمائی آن هم بدون اطلاع همه کارگران پردازند و زمینه شکست را محیا سازند.

بورژوازی به همراه تمامی نهادهای دولتی، قضائی، امنیتی و عوامل کارفرما نقشه ماهرانه ای برای درهم شکستن اعتصاب کشید. بورژوازی ابتدا توسط عوامل حکومتی و کارفرمائی خود اقدام به دست گرفتن کانال ارتباطی و تبلیغی کارگران (کانال تلگرامی) کرد و از طریق این کانال جو مبارزاتی را مسموم کرد و به تبلیغ مقامات حکومتی و خدمات کارفرما پرداخت. بورژوازی سپس سناریوی از پیش طراحی شده شکست اعتصاب را با همراهی رئیس اداره کار، فرماندار، مدیر عامل جدید، عوامل کارفرما و عده ای کارگر اعتصاب شکن و با خیانت چند تن از نمایندگان سازشکار و خیانتکار تکمیل کرد. رهبران جسور اعتصاب را دستگیر کرد، بخشی از حقوق های معوقه را پرداخت، مدیر عامل را با یک جنایتکار دیگر عوض کرد، از سلاح تفرقه در بین کارگران استفاده کرد.



پس از ۲۸ روز مبارزه شکوهمند، پس از ۲۸ روز نبرد طبقاتی، پس از ۲۸ روز امید، ۲۸ روزی که بردگان مزدی جامعه را لرزاندند، در ۱۱ آذر ۱۳۹۲ اعتصاب کارگران هفت تپه عملاً به شکست کشانده شد. همان روز حداقل هزار کارگر رای به ادامه اعتصاب داده بودند اما متأسفانه سازماندهی اعتصاب بخاطر دستگیری رهبران جسور اعتصابی و سازش و خیانت بخشی از نمایندگان کارگران از هم پاشیده بود. بورژوازی همچون مار زخمی شده، بدنبال انتقام است. لیست طویلی از اعمال جنایتکارانه که انجام خواهد داد، تهیه کرده است. سرکوب رهبران اعتصابی در صفحات بعدی بررسی خواهد شد، اما احضار کارگران معترض به وزارت اطلاعات در جریان شکست اعتصاب و کسانی که با وثیقه و همراه با تهدید خانواده از زندان بورژوازی اسلامی "آزاد" شده اند، مفهوم آزادی خود را خوب میدانند.

عباس حسینی پویا، دادستان عمومی و انقلاب اهواز که در جریان معرفی مدیر جدید کارخانه نیشکر حضور داشت، آشکارا از زیر نظر داشتن سیستماتیک و ماهانه کارخانه سخن گفت، به عبارت بهتر دادستان تمام فعالیت و حرکت کارگران را زیر نظر خواهد داشت. او از "نظارت ماهانه دادستانی به مدت یک سال بر فعالیت کارخانه" خبر داد. [۱۵]

مدیر عامل جدید که شمشیرش را از رو بسته، در جریان معرفی خود تاکید کرد تحمل اعتصاب را ندارد و هر گونه اعتراض را با اخراج پاسخ خواهد داد. او اظهار داشت:

"اگر کسی نمی خواهد ادامه کار دهد و کارشکنی بکند جایش در شرکت نیست." [۱۶]

اما خطرناک ترین اقدامات بورژوازی، احیای «کمیته انضباطی» و «شورای اسلامی کار» است. موضوع احیای شورای اسلامی کار حتی خطرناکتر از مسئله کارگران زندانی است. بورژوازی به کمک ارگانهای امنیتی، قضائی، اداره کار، کارفرما میخواهد از جو پس از شکست اعتصاب و احتمالاً با همکاری برخی نماینده سازشکار استفاده کرده و اقدام به برگزاری سیرک انتخابات شورای اسلامی کار نماید و سپس اعلام نماید اینها نمایندگان کارگران هستند. تشکل مستقل کارگران نه تنها خاری در چشم بورژوازی است بلکه الهام بخش دیگر کارگران نیز هست. بورژوازی تحمل دیدن آن را ندارد. اسماعیل قبل از دستگیری در این رابطه چنین گفته بود:

"با هماهنگی و هدف مشخص از جمله مقابله با بنده (منظور منیت نیست، بلکه اشاره به این واقعیت است که دشمنانی از خارج از هفت تپه مثلاً قصد تخریب بنده بخاطر طرح شعار شوراها را دارند) تمام ارگان‌های امنیتی و دولتی، کارفرما، اداره کار بسیج شدند برای راه‌اندازی انتخابات شورای اسلامی در هفت تپه." [۱۷]

باید واقعیت تلخ به شکست کشانده شدن اعتصاب را قبول کرد و درسها از آن گرفت. علیرغم شکست اعتصاب، کارگران هفت تپه دیگر کارگران سابق نیستند. تجربه این اعتصاب، درسهای این اعتصاب در تکامل مبارزه طبقاتی بسیار با ارزش هست. این یک واقعیت انکار ناپذیر است که اعتصاب و اعتراض اخیر کارگران هفت تپه پس از شکست مبارزات کارگری سالهای ۱۳۵۸-۱۳۵۶ ارزشمندترین و درس آموزترین حرکت کارگری بوده است. از نکات قوت اعتراضات و اعتصابات کارگری هفت تپه میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

- تاکید بر قدرت طبقاتی کارگران و تاکید بر مبارزه شورائی
- مطرح شدن شعار نان، کار، آزادی، اداره شورائی
- شکل گیری رهبران کارگری چون اسماعیل بخشی

- ضرورت کمیته کارخانه الگوئی برای مبارزات کارگری
- ریزش توهم کارگران، تقویت جسارت و روحیه مبارزه جوئی کارگران
- برگزاری مجامع عمومی
- گسترش اعتصاب به دیگر صنایع (فولاد)
- کشاندن زنان کارگر از حاشیه مبارزات به متن مبارزات
- گسترش اعتصاب به جامعه و بخصوص شهر شوش
- مشارکت فعالانه خانواده ها در اعتراضات خیابانی
- همبستگی توده ای

از نکات ضعف اعتراضات کارگری هفت تپه میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

- مجمع نمایندگان کارگران هفت تپه مثل هر تشکل کارگری دیگر شامل طیف و گرایشات متفاوت است که بخودی خود کاملاً طبیعی است. یکی از نکات ضعف اعتراضات اخیر هفت تپه عدم تکرار مجمع عمومی و عدم استفاده از یکی از سنت های رایج جنبش کارگری «عزل و نصب نمایندگان» هر لحظه کارگران اراده کنند، بود. اگر چنین اتفاق می افتاد نمایندگان سازشکار و خیانتکار خیلی زود جایشان را به نمایندگان رادیکال می دادند.

- کمبود رهبران جسور و زبده کارگری چون اسماعیل بخشی، دستگیری اسماعیل بزرگترین ضربه را به اعتصاب کارگری زد.
- عدم آمادگی در مقابل سرکوب پلیسی
- خیانت نمایندگان سازشکار، چند تن از نمایندگان در همدستی با حکومت و کارفرما به کارگران خیانت کردند. نمایندگان باید منعکس کننده تصمیمات مبارزه جمعی باشند. همه تصمیمات و مذاکرات باید علنی باشد و مذاکرات پشت پرده جایی در سنت کارگری ندارد.
- طولانی شدن اعتصاب بدون گسترش جدی آن به دیگر صنایع (به غیر از فولاد ملی، دیگر همبستگی ها فقط سمبولیک بود)
- عدم آمادگی مادی کارگران برای ادامه اعتصاب طولانی مدت (هزاران کارگر با خانواده هایشان در شرایط مادی زیر خط فقر زندگی می کنند، ضرورت صندوق حمایت مالی از اعتصاب)
- عدم آمادگی کافی برای اطلاع رسانی و جلب حمایت دیگر هم طبقه ایها و مردم، خارج از شهر شوش
- عوامفریبی های چپ سرمایه در رابطه با اتحادیه های کارگری

## نقش زنان در اعتراضات و اعتصابات کارگری

در جریان اعتراضات کارگری بین سالهای ۱۳۵۹ - ۱۳۵۶ زنان کارگر نقش فعالی داشتند، زنان به مفهوم لغوی کلمه بازو در بازو با مردان طبقه کارگر در مبارزات کارگری شرکت داشتند. با توجه به روبنای ایدئولوژیک بورژوازی اسلامی و سرکوب سیستماتیک زنان، پس از سرکوب وحشیانه دهه ۶۰، نقش زنان در اعتراضات و اعتصابات کارگری کم رنگ بود. در جنبش های ضد دیکتاتوری و دمکراسی خواهی حضور زنان بیشتر محسوس بود و صدایشان نیز بهتر منعکس می شد. جناحهای متفاوت سرمایه در تلاش بودند تا از زنان بعنوان سیاهی لشکر در خواسته های خود استفاده کنند. جناح چپ سرمایه و بخصوص جناح راست سرمایه با توجه به منابع سرشارشان صدای دمکراسی خواهی زنان را منعکس می کردند و عدم حضور فعال زنان در جنبش طبقاتی کارگران واقعا محسوس بود.

با رشد مبارزات کارگری در سال جاری، زنان نیز نه تنها نقش فعالی ایفا کرده



اند، بلکه تا حد سازمانده و سخنران اعتراضات و اعتصابات کارگری ارتقاء یافته اند. عکس روبرو یک زن کارگر را در حال سخنرانی برای کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه نشان می دهد.

جسارت، توانائی و اعتماد بنفس این زن کارگر در سخنرانی هر چند کوتاهش بیانگر عروج نسلی از کارگران زن مبارز است که برای خواستههای طبقاتی خود مبارزه می کنند. سخنرانی پرشور همراه با تشویق و دست زدنهای اعتصابیون. زنان (حتی کسانی که در کارخانه کار نمی کنند) و فرزندان طبقه کارگر در



اعتراضات اخیر نقش فعالی ایفا کردند. در اعتراضات خیابانی دوش به دوش مردان طبقه کارگر حرکت می کردند. شعار فرزندان کارگران

شرکت نیشکر هفت تپه "من بچه هفت تپه ام، گرسنه ام، گرسنه ام" بود.

در اعتراضات کارگری که کارگران اعتراض خود را به داخل شهر کشانده بودند تا حمایت مردمی و محلات را جلب کنند، دختران کارگران (کارگران آینده) با گامهای استوار در صف اول تظاهرات حرکت می کردند. فرزندان کارگران با پدران



و مادران خود اعلام همبستگی طبقاتی می کردند و پلاکاردهائی چون "فرزند کارگرانیم، کنارشان می مانیم" در دستان خود داشتند.

زنان کارگر نه فقط در کارخانه، نه فقط در اعتراضات داخل شهر بلکه بعنوان راننده زن نیز نقش فعالی در اعتراضات ایفا کردند. عکس روبرو زن راننده ائی را



نشان می‌دهد که در همبستگی با همکاران خود، کامیون خود را در وسط جاده متوقف کرده، جک کامیون را بالا زده و برای همکاران خود سخنرانی همبستگی (ویدئویی) ارسال میکند.

یکی از نکات قوت اعتراضات و اعتصابات کارگری امسال، کشاندن زنان از حاشیه اعتراضات به متن اعتراضات کارگری بود. با توجه به روبنای ایدئولوژیک بورژوازی اسلامی و سرکوب سیستماتیک زنان، اغراق آمیز نخواهد بود اگر بگوئیم زنان کارگر همچون زنان روسیه در سال ۱۹۱۷ در اعتراضات و اعتصابات آینده نقش فعال و پیشروی ایفا خواهند کرد.



## مدافعان بردگی مزدی در لباس کارگر

هیچ جنبش، اعتصاب و یا اعتراض کارگری ناب و بدون نواقص وجود نداشته و در آینده نیز بدون نواقص و یا ضعف‌ها نخواهند بود. نبردهای کارگری پاریس، نبردهای کارگری پتروگراد، نبردهای کارگری برلین، نبردهای کارگری شانگهای ... علیرغم تمامی جان‌فشانیه‌ها و قهرمانیه‌ها، ضعف‌های خود را داشته‌اند.

بدنبال مبارزات کارگری سالهای ۱۳۵۹ - ۱۳۵۶ که بورژوازی تنها با حمام خون توانست، حاکمیت خود را تثبیت کند، نقش شوراهای اسلامی کار بعنوان بخشی از حاکمیت و وزارت اطلاعات ضرورت وجودی خود را بیشتر پیدا کرد. واقعیت این است شوراهای اسلامی کار جایی در میان کارگران ندارند و با رشد مبارزات کارگری، نمی‌توانند وظایف خود را انجام دهند. کارگران با نفرت به شوراهای اسلامی نگاه می‌کنند. بورژوازی اسلامی برای پیشبرد اهداف خود از تاکتیک‌های غیر متداول استفاده می‌کند. یکی از متدها استفاده از عناصر خائن در لباس کارگر که منافع کارفرما و بورژوازی را پیش می‌برند.

در تاریخ مبارزات کارگری، همیشه انسانهای حقیری پیدا شده‌اند علیرغم اینکه خود کارگر بوده‌اند اما بر علیه منافع کارگران فعالیت کرده‌اند. ضعفها را عمده می‌

کنند، به دروغ، تهمت و لجن پراکنی متوسل می شوند تا روحیه مبارزه جوئی را پائین بیاورند، تا زمینه را برای شکستن اعتصاب فراهم کنند.

رضا رخشان الان سمبل این حقارت شده است. او در اوج حقارت و با زبان لومپنی سعی در تحقیر و تخریب مبارزات کارگری می کند، اعتصابات کارگری را دلکک بازی می نامد. او رهبران کارگری و اعتصاب را متهم می کند که بدنبال مشهور شدن و سوپرمن بازی هستند، او اعتراضات و اعتصابات کارگری را در خدمت سیاست های آمریکا و عربستان ارزیابی می کند. به شکل توهین آمیز و بایی سواد خطاب کردن کارگران، مطرح می کند نیازی به این رادیکال بازی ها نیست، شورا، شعار کمونیستهای دو آتسه هیروتی است و بهانه سرکوب را معیا می کند.

او زمانی که کارگران در اعتصاب هستند، به همبستگی و قوت قلب نیاز دارند، نوشته ای علیه اعتصاب و اسماعیل بخشی پخش کرده که نباید خواستهای اقتصادی را سیاسی کرد، او در اوج استیصال عوامفریبی می کند، اظهارات علیه امام جمعه و یا زیر سوال بردن قانون کار ربطی به مطالبات کارگران ندارد و اصلا نیازی به اعتصاب نیست، خود کارفرما قول داده است که حقوقهای معوقه را پرداخت کند.

او مطرح می سازد، تشکل مستقل کارگری یعنی چه؟ سپس خودش جواب می دهد دوران شعارهای پوچ گذشته است. او از اینکه طرفدار احمدی نژاد قلمداد

شود، واهمه ای ندارد، آشکارا تنفر و کینه ضد کمونیستی خود را بیان می کند. سازمان اکثریت وقتی به زائده بورژوازی اسلامی و وزارت اطلاعات تبدیل شد، به یک ننگ در فضای سیاسی تبدیل شد، حالا نوبت رضا رخشان است، مدال ننگ را بر گردن خود آویزان کند.

## سرکوب رهبران کارگری

۲۷ آبان ۱۳۹۷ جنایتکاران بورژوازی اسلامی رهبران کارگران معترض و اعتصابی از آنجمله اسماعیل بخشی را بازداشت کردند. بورژوازی مدتها به بدنبال خاموش کردن اسماعیل بخشی رهبر اعتصابات کارگری بود. اسماعیل بخشی قبلا نیز مورد سو قصد ارازل و اوباش بورژوازی قرار گرفته بود. ۲۵ دی ۱۳۹۵ اسماعیل پس از پیاده شدن از اتوبوس مورد حمله ارازل و اوباش بورژوازی که با دو اتومبیل منتظر او بودند، قرار گرفت. آنها پلاک ماشینهای خود را پوشانده بودند و با قمه و اسلحه به اسماعیل حمله کردند. با داد و فریاد اسماعیل، مردم متوجه حمله می شوند، ارازل و اوباش فرار می کنند و مردم اسماعیل را به بیمارستان منتقل می کنند. خوشبختانه جراحات وارده عمیق نبوده و اسماعیل پس از درمان مرخص می شود.



بورژوازی همیشه از سناریوی تخریب هویت استفاده کرده است. برای لجن مال کردن اسماعیل در فضای مجازی پخش کرد که گویا اسماعیل بخشی قبلا طرفدار میر حسین موسوی بوده است. حتی اگر این مسئله نیز صحت داشته

باشد بیانگر آن است که چطور یک کارگر توهم خود را به جناحی از بورژوازی از دست داده است و به هویت طبقاتی خود پی برده است. اگر اکثریت کارگران مثل اسماعیل توهم خود را به بورژوازی از دست میدادند و به هویت طبقاتی خود آگاه می شدند، دیگر نه برای دستمزدهای بیشتر بلکه برای جامعه کمونیستی می رزمیدند. اسماعیل را به جرم تجمعات غیر قانونی، اجتماع و تباخی علیه امنیت ملی به زنجیر کشیدند. کارگران فریاد زدند **"ما همه بخشی هستیم"**.

۲۱ آذر اسماعیل بخشی رهبر اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه با وثیقه ۴۰۰ میلیون تومانی از زندان سرمایه "آزاد" شد یا به عبارت بهتر به زندان خانگی منتقل شد. همه چیز حاکی بر آن است که نهادهای امنیتی سرمایه اسماعیل بخشی و خانواده اش را سخت تحت فشار قرار داده اند و تهدید کرده اند. نهادهای امنیتی سعی کرده اند اسماعیل را وادار کنند علیه اعتصاب موضع گیری کند که موفق نشده اند.

بر طبق مصاحبه ای که یکی از فامیلهای اسماعیل بخشی انجام داده است [۱۸] اسماعیل بخشی در جریان بازداشت و بازجویی ها به شدیدترین وجه ممکن شکنجه شده و بارها زیر شکنجه بیهوش شده و به زندانهای امنیتی متفاوتی منتقل شده است. ۱۵ روز پس از آزادی هنوز اسماعیل بخشی برای راه رفتن، نشستن و حتی خوابیدن دچار مشکل بوده است. دنده ها و بیضه های او آسیب دیده. به جای داروی مسکن

به او داروهای اعصاب و روان یعنی داروهای توهم زا داده اند تا مکانیزم کنترل خود را از دست بدهد. بخاطر اثرات مخرب داروهای توهم زا، اسماعیل پس از "آزادی" گاهی همچنان توهم پیدا می کند که در بازداشت است. نه تنها اسماعیل بلکه خانواده او تهدید شده اند که حق ندارند با کسی ارتباط برقرار کنند. طبق این مصاحبه اسماعیل از شرکت نیشکر اخراج شده، حسابهای بانکی او مسدود شده و با محدودیت شدید مالی روبرو است.

اخیرا پس از دو هفته سکوت، اسماعیل بخشی سکوت خود را شکست و یادداشت کوچکی در اینستاگرام خودش منتشر کرد که بنوعی تأیید آن مصاحبه است. بخشی از یادداشت اسماعیل چنین است:

"در روزهای گذشته در شرایطی بودم که نه قلم یاری می کرد و نه ذهن و جانم، حتی واژه ها هم بامن بیگانه شده بودند اما دیگر تاب این بار سنگین را ندارم، پس می کوشم با روح پریشانم، لکنت زبانم و قلم لرزانم، در ثنای قطره ای از مهرتان چیزی بنگارم... و در آخر در جواب همه ی عزیزانم که در ایام بازداشت شعارِ «من هم اسماعیل بخشی هستم» را یا

گفتند یا نوشتند تا هم مرا حامی باشند و هم خانواده ی غمگینم را دل

آرام، پاسختان میدهم: «من هم فدایی شما هستم»." [۱۹]

ظاهرا پس از انتشار خبر اخراج اسماعیل بخشی، مسئولان با او تماس میگیرند و اظهار میدارند که او میتواند سر کار برگردد. از سر کار رفتن اسماعیل اطلاع دقیقی در دست نیست.



۸ آذر ۱۳۹۷ نیروهای امنیتی به منزل

کارگر بازنشسته علی نجاتی یورش بردند و او را با خود به زندان نامعلومی منتقل کردند. علی نجاتی از بیماری قلبی رنج میرد و نیاز به کمک پزشکی دارد. علی نجاتی بارها بخاطر فعالیت های کارگری بازداشت یا احضار شده

است. اتهام علی نجاتی اخلال در نظم عمومی از طریق هدایت جریان اعتصابات و تجمعات شرکت نیشکر هفت تپه بوده است. او در هنگام بازداشت مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. از سرنوشت دقیق علی نجاتی همچنان خبری نیست و همچنان

در بازداشت نیروهای امنیتی است. علی نجاتی هنوز امکان آن را نیافته تا داستان به زنجیر کشیده شدنش را توضیح دهد.

تاکنون هیچکدام از دستگیر شدگان علیه اعتصاب و اعتراضات کارگری سخنی نگفته اند. هر گونه پرونده سازی علیه فعالین کارگری و یا کسانی که در رابطه با اعتراضات کارگری دستگیر میشوند، تنها بیانگر جنایت گانگسترهایی است که تنها در زندان و اتاق شکنجه قدرت خدائی می کنند.



## جنبش دانشجویی در خدمت جنبش کارگری

دانشگاه در ایران تاریحا تا قبل از سال ۱۳۵۹ محل تجمع، مباحثه و حمایت از اعتراضات اجتماعی بوده است. به تبع آن و تا آن مقطع، دانشگاه محل جذب نیرو برای جریانات سیاسی نیز بود. تحمل فضای دانشگاهها برای بورژوازی اسلامی ممکن نبود و بدنبال تعطیلی این فضای پر جنب و جوش بودند. بورژوازی اسلامی با یورش به دانشگاهها در بهار ۱۳۵۹ تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» و با براه انداختن حمام خون توانست دانشگاهها را تسخیر کند و آنها را به تعطیلی بکشانند.

در تیر ماه ۱۳۷۸ دانشجویان در اعتراض به بسته شدن روزنامه «سلام»، یک روزنامه اصلاح طلب، در خدمت جناح اصلاح طلب بورژوازی اسلامی، در دعوای جناحی قرار گرفتند که با سرکوب دانشجویان پایان یافت. سالها پس از آن و با رشد گرایش چپ در بین دانشجویان، فعالیت های دانشجویی حول دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در سالهای ۱۳۸۸ - ۱۳۸۶ شکل گرفت که با برخورد ماجراجویانه حکمتیستها، دانشجویان دستگیر و شکنجه شدند و در روند خود، جنبش دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب نیز از هم پاشید. البته در سالهای اخیر دانشگاه گاهها به شکل ضعیفی محل تجمع و اعتراض بوده است.

در جریان اعتراضات خیابانی دی ماه ۱۳۹۶ دانشجویان رنگ بسیار کم‌رنگی در اعتراضات داشتند. پس از تحولات ۱۳۵۷ در مجموع دانشجویان بیشتر مبارزان ضد دیکتاتوری و دمکراسی خواهی بوده اند. اما با رشد مبارزات کارگری، دفاع از مبارزات کارگری و مطالبات طبقاتی کارگران جایگزین خواسته‌های ضد دیکتاتوری دانشجویان شد. دانشجویان برای اولین بار پس از تحولات ۱۳۵۷ پشت سر خواسته‌های



کارگران ایستادند. اگر چه تعداد کمی از دانشجویان به اعتراضات حمایتی از مبارزات کارگری پیوستند اما شعارهای

مطرح شده، تکرار همان شعارهای کارگران معترض بود. این یک تحول کیفی در مبارزات دانشجویی است. تحولات آینده نشان خواهد داد، آیا دانشجویان دیگر نه سیاهی لشکر در جنگ جناحهای بورژوائی، نه قهرمانان مبارزات ضد دیکتاتوری بلکه پشت سر خواسته‌های کارگران خواهند ایستاد یا نه؟

## نقش مدیای بورژوازی

بورژوازی، چه در سرمایه‌داری متروپل و چه در سرمایه‌داری پیرامونی با توجه به امکانات زیادی که دارد قادر به مهندسی افکار عمومی است، تنها در دوره‌های انقلابی است که قادر به انجام چنین عملی نیست. اگر اکثریت اعضای این کره‌خاکی از طریق فروش نیروی کارشان امر معاش می‌کنند، ژورنالیست‌های بورژوائی نیز از طریق فروش وجدان‌شان امر معاش می‌کنند. نه تنها صدا و سیمای بورژوازی اسلامی و یا نشریات و روزنامه‌های حکومتی، اعتراضات کارگری را منعکس نکردند بلکه مدیای بورژوائی غربی نیز خفه گرفتند و اگر هم زمانی ناچاراً انعکاس دادند تنها در راستای منافع خودشان و تنها در حد انعکاس مطالبات صنفی بسنده کردند. در چنین زمینه‌ای بود که کارگران اعتصابی فریاد می‌زدند:

"ننگ ما، ننگ ما، صدای سیمای ما"

در مقابل سانسور خبری مبارزات کارگری و برای پوشش دادن اخبار مبارزات کارگری، انسانهای آزادیخواهی از طریق وسایل ارتباط جمعی اخبار مبارزات

کارگری را پوشش دادند. یکی از اینها سپیده قلیان بود که در تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۹۷ در ارتباط با اعتراضات کارگری هفت‌تپه بازداشت شد.



سپیده قلیان قبلاً نیز در اسفند ۱۳۹۵ بازداشت و با قرار وثیقه ۲۰۰ میلیونی تا پایان مراحل دادرسی آزاد شده بود. سپیده قلیان پس از ۳۰ روز و با تحمل شکنجه بتاریخ ۲۷ آذر ماه ۱۳۹۷ و با وثیقه ۵۰۰ میلیونی آزاد شد. اتهام او "اخلال در نظم

عمومی" است. سپیده قلیان علیرغم وثیقه ۵۰۰ میلیونی و تهدیدات نیروهای امنیتی یادداشت کوتاهی منتشر کرده است که خود کیفر خواستی علیه این نظام بربر است. او می نویسد:

"هفت‌تپه یک اتفاق تاریخی در گذشته‌ای دور برای درس و عبرت سیاسی کارگران نیست. آنچه که در هفت‌تپه گذشت، آغاز سیاست‌ورزی طبقاتی کارگران به شکل عیان و تمام عیار بود. سرکوب کارگران هفت‌تپه هم با دستگیری‌ها، نه آغاز شد و نه پایان یافت! سرکوب در هفت‌تپه با حمله‌ی همه‌جانبه به معیشت کارگران، با تصویب

حداقل حقوق‌های تحقیر آمیز، با روی کار آمدن سیاست هار خصوصی سازی آغاز شده بود و اکنون نیز به شدت تداوم دارد... من هم به عنوان یک دانشجوی و کارگر، مانند صدها تن از مردم شوش، به سبب نزدیکی محل زندگیم، حمایت از اعتراضات هفت تپه را با حضور در کنار آنها به جای آوردم. و البته این به مذاق نهادهای امنیتی خوش نیامد و بازداشت شدم... سی روزی که با ضرب و شتم شروع شد و با شکنجه‌های روانی ادامه پیدا کرد و با وثیقه‌ی پانصد ملیون تومانی، چنان که گویی من مرتکب جنایت شده‌ام پایان یافت... مقاومت ادامه دارد. برای آزادی همه.

برای آزادی کارگران فولاد. " [۲۰]



یکی دیگر از کسانی که مبارزات کارگری را پوشش می داد و توسط جنایتکاران بورژوازی اسلامی دستگیر شد. عسل محمدی دانشجوی داروسازی است که بتاريخ ۱۳ آذر ۱۳۹۷ در

تهران دستگیر شد. او در حمایت از اعتراضات کارگری نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز گزارش و فیلم هائی منتشر کرده بود. ظاهرا او را از زندان اوین به زندانی در

شوش منتقل کرده اند. نیروهای امنیتی از ارائه هر گونه اطلاعاتی از سرنوشت و شرایط این زندانی حامی مبارزات کارگری خودداری می کنند. عسل محمدی هنوز در زنجیر است و قادر نیست داستان به زنجیر کشیده شدنش را توضیح دهد.

بازداشت این عزیزان بیانگر آن است که برای هر گونه حمایت از مبارزات کارگری، باید بهائی گران پرداخت. بورژوازی اسلامی میخواهد فضای رعب و وحشت ایجاد کند، دیگر هیچ کس جسارت حمایت از مبارزات کارگری را پیدا نکند.

## همبستگی طبقاتی

بیگانه ستیزی بخشی از روبنای جامعه طبقاتی است که با شکلگیری دولتهای ملی و ملیت که محصول رشد سرمایه‌داری است و افتخار ملی را بدنبال دارد، شکل پارادوکس بخود گرفته است. در دوران هائی که سرمایه نیاز به نیروی کار ارزان دارد سعی در تعدیل این مسئله می کند ولی در دوران هائی که در بحران دست و پا میزند، سعی می کند بخشی از دلایل بحران را گردن کارگران خارجی تبار بیندازد. بورژوازی همیشه سعی در تکه تکه کردن طبقه کارگر با هدف درهم شکستن اتحاد طبقاتی کارگران دارد، تا بهتر و راحت تر بتواند پرولتاریا را استثمار کند. بورژوازی کارگران بومی را علیه کارگران "مهاجر"، سیاه را علیه سفید، آسیایی ها را در مقابل اروپایی ها، اسپانیایی ها را در برابر آمریکایی ها و غیره قرار می دهد. متأسفانه بورژوازی اسلامی بارها قادر شده کارگرانی را که خودشان یا والدینشان در خارج از مرزهای ایران دنیا آمده اند، در مقابل کارگران بومی قرار دهد و کارگر بومی عامل بدبختی و بیکاری خود را کارگر خارجی تبار قلمداد کند. این مسئله الان به یک معضل بخصوص در سرمایه‌داری متروپل تبدیل شده است.

اما رشد مبارزات کارگری همبستگی طبقاتی را تقویت می کند و نژادپرستی را بی مفهوم می کند. با رشد مبارزات کارگری، کارگر، کارگر خارجی تبار را نه رقیب خود بلکه خواهر و برادر طبقاتی خود قلمداد خواهد کرد. اخیراً عوامل کارفرما تلاش کرده بودند به اختلافات قومی دامن بزنند و به یکی از کارگران توهین کرده بودند. در چنین زمینه‌ای بود که اسماعیل بخشی رو به کارگران با صدای رسا اعلام کرد:

"امروز مبارزات کارگری هفت‌تپه در کشور به یک الگوی مبارزاتی تمام عیار بدل شده است از اتحادمان، اعتصابات منسجم و مطالبه‌گری مان، سازماندهی خوبمان، انتخابات آزاد مان تا شعار شوراهای مستقل کارگری و رفتار شورایی مان که همه در سایه اتحاد کارگری مان بدست آمده است اما برای بنده از همه اینها مهم‌تر، یکی از زیباترین جلوه‌های انسانی یعنی جلوه‌ی زیستیِ جمعیِ انسانی مان است... اما برادران و خواهران گرامی لازم می‌دانم یک نکته بسیار مهم را یادآور شوم، یکی از مهمترین اهداف مبارزات جنبش کارگری، مبارزه با امر زشت و غیر اخلاقی نژاد پرستی و تفرقه افکنی نژادی است، تفرقه افکنی نژادی یکی



از حربه های قدیمی نظام سرمایه داری در بین طبقه ی کارگراست و ریشه ی تاریخی دارد تا از این طریق در صفوف متحد و بهم چسبیده کارگران شکاف عمیق ایجاد کرده و کارگران را از هدف اصلی دور و آنها را مشغول جنگ داخلی طبقه ی خود کند... برادران خواهران عزیز اجازه ندهیم این افراد جاهل و معلوم الحال به اتحاد و برادری مان خدشه وارد کنند ما همه کارگر و برادریم، همه یکی هستیم، ... اگر به خانواده و شرافت حتی یک کارگر توهینی بشود به تمام طبقه کارگری اهانت شده و ما در مقابل آن خواهیم ایستاد." [۲۱]

رهبر اعتصابی با زبان ساده، یک حقیقت طبقاتی را بیان کرد، هر چه رنگ پوست ما باشد یا به چه زبانی صحبت کنیم، ما یک ویژگی مشترک داریم و آن اینکه به طبقه کارگر تعلق داریم، به اردوی استثمار شدگان تعلق داریم و ملت برای ما بیگانه است. همه ما استثمار شدگان، خواهر و برادر هم هستیم.

## بخش خصوصی یا دولتی

از ابتدای دهه ۸۰ شمسی به توصیه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، بورژوازی اسلامی سیاست خصوصی سازی را در دستور کار خود قرار داده است. این خصوصی سازی نه فقط صنایع صنعتی، بلکه حتی خدمات، آموزش را نیز در بر گرفته است.

آیا شکل حقوقی مالکیت، خصوصی یا دولتی فرقی در استعمار کارگران دارد؟  
آیا اصولاً مالکیت خصوصی یا دولتی فرقی در شرایط زندگی کارگران دارد؟  
تضمین امنیت شغلی در صورت مالکیت دولتی تنها یک توهم بیش نیست. مگر خود دولت ورشکسته نیست؟ مگر خود دولت شرکت نیشکر را به قیمت ناچیز، کمتر از ۱۰ درصد قیمت واقعی به نزدیکان خود نداده است؟ مگر خود دولت این فاجعه را برای کارگران بوجود نیاورده است؟ تغییر شکل حقوقی مالکیت تاثیری در شرایط زندگی کارگران ندارد بلکه این مبارزه کارگران است که میتواند امنیت شغلی و شرایط معیشتی بهتری برای کارگران به همراه داشته باشد. در رابطه با سرنوشت شرکت نیشکر هفت تپه، دو آلترناتیو مطرح شده است:

- مالکیت شرکت نیشکر به دولت منتقل شود، اما تحت نظارت شوراهای مستقل کارگری اداره شود.

- اختیار اداره شرکت نیشکر تماما به شورای مستقل کارگری واگذار شود.

صاحبان شرکت نیشکر هفت تپه به بهانه احداث کارخانه پتروشیمی، تولید زغال و رب گوجه ۸۰۰ میلیون دلار وام گرفته و شرکت را در گرو این وام گذاشته اند. مالکیت در نظام سرمایه‌داری مقدس است و شرکت نیشکر در گرو این وام است. فرض کنیم برحسب اتفاق، دولت توانست ۸۰۰ میلیون دلار را از اینها پس بگیرد و شرکت را دولتی کند، آیا امنیت شغلی کارگران تامین خواهد شد؟ آیا معلمان که کارفرمایان دولتی است، امنیتی شغلی دارند؟ شاید اظهار شود که، زمانی که شرکت نیشکر دولتی بود، شرایط بهتر بود، اما فراموش می‌کنند که بحران سرمایه‌داری در سالهای اخیر مخرب تر شده و سرمایه‌داری بار بحران خود را در سرمایه‌داری پیرامونی خشن تر، غیر انسانی تر از سرمایه‌داری متروپل نشان می‌دهد. نکته حائز اهمیت این است که ورشکستگی صنایع مختص سرمایه پیرامونی نیست بلکه ناشی از بحران سرمایه‌داری است. ورشکستگی کارخانجات و شرکتها را میتوان در سرمایه متروپل، در کشورهای اروپائی و آمریکای شمالی نیز مشاهده کرد. جنگ

تعرفه های گمرکی اخیر بین آمریکا و اروپا و همچنین آمریکا و چین در این رابطه بوده است.

همانطوری که اشاره شد خصوصی سازی نه تصمیم بورژوازی اسلامی بلکه توصیه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، به عبارت بهتر تصمیم سرمایه جهانی است و چنین رویکردی در دیگر کشورهای سرمایه پیرامونی، حتی در سرمایه متروپل نیز در حال انجام است. عبدالله پوری حسینی رئیس سازمان خصوصی سازی ایران در رابطه با احتمال بدست گرفتن خود کارگران چین می گوید:

" در کمونیستی ترین کشورهای روی کره زمین هم چنین حرف هایی زده نمی شود. مگر نیشکر هفت تپه را بخش خصوصی صادره کرده که چنین حرف هایی زده می شود؟ حتی در شوروی سابق هم قبل از فروپاشی شوراهای کارگری چنین حرفی نمی زدند که کارخانه را بدهید دست خودمان، اگر منافی هم داشت مال خودمان." [۲۲]

ما به بحث شورا و اینکه اصلا شورای کارگری چیست و چه وظیفه ای دارد را در صفحات بعدی بررسی خواهیم کرد. اما ظاهرا رئیس سازمان خصوصی سازی تا حدودی به تکامل مبارزه طبقاتی پی برده است. دیگر نمیتوان با گولاگ شوروی

سابق که خود نوعی بربریت سرمایه‌داری بود، کارگر معترض به بردگی مزدی را ترساند. کارگر اینبار نه بدنبال سرمایه‌داری دولتی بلکه بدنبال جامعه بدون طبقه خواهد بود.

## اتحادیه‌های کارگری در مقابل طبقه کارگر

در دوران رو به رشد سرمایه‌داری اتحادیه‌های کارگری شکل‌های واقعی طبقه کارگر بودند. این تشکل‌ها بیانگر منافع طبقه کارگر بودند و برای منافع طبقه کارگر مبارزه می‌کردند. دوره‌ای که امکان تحمیل رفرم‌های پایدار به بورژوازی وجود داشت، دوره‌ای که هنوز انقلاب کمونیستی به وظیفه روز پرولتاریا تبدیل نشده بود. توجه بیش از حد اتحادیه‌های کارگری به رفرمیسم زمینه را برای ادغام اتحادیه‌ها در دولت سرمایه‌محیا کرد.

با ورود سرمایه‌داری به دوران انحطاط خود، که جنگ جهانی اول بیانگر آن بود، اتحادیه‌ها در دولت سرمایه‌ادغام شدند و کارگران را گوشت دم توپ در جنگ امپریالیستی کردند. اتحادیه‌ها نه تنها جانب سرمایه وطنی را در جنگ امپریالیستی گرفتند بلکه به همکاری تنگاتنگ با دستگاه سرکوب پرداختند تا مبادا مشکلی در جبهه وطنی برای کشتار هم طبقه‌ای‌هایشان بوجود نیاید. اتحادیه‌های کارگری آلمان در سال ۱۹۱۹ در سرکوب خونین شورش‌های کارگری نقش فعالی ایفا کردند.

پس از آن تاریخ اتحادیه‌ها در سراسر جهان هستی، به بخشی از دولت سرمایه، مثل دستگاه قضائی، آموزش و پرورش و غیره برای مدیریت فروش نیروی کار

تبدیل گشته اند. برخلاف عوام فریبی های گرایش‌های متفاوت چپ سرمایه که اظهار میدارند اتحادیه‌ها و سندیکاها اگر در اروپای غربی بدلیل "اشرافیت‌کارگری" نمی‌توانند نقش رادیکالی در مبارزات کارگری ایفاکنند در مقابل ظرف مناسبی برای مبارزه در کشورهای پیرامونی برای طبقه کارگر هستند، وقایع آفریقای جنوبی، ترکیه، ونزوئلا و نقش اتحادیه‌ها در این حوادث بار دیگر ارتجاعی بودن چنین مواضعی و حقانیت مواضع انترناسیونالیست‌ها را به اثبات می‌رساند که اتحادیه‌های کارگری در سراسر جهان تبدیل به ارگانهای نظام سرمایه‌داری شده‌اند. وظیفه اصلی اتحادیه‌ها چه در کشورهای پیرامونی سرمایه و چه در متروپل سرمایه کنترل طبقه کارگر و منحرف کردن مبارزه طبقاتی کارگران است.

پانه کوک در اثر ارزشمند خود تحت عنوان "انقلاب جهانی و تاکتیک کمونیستی"، صد سال قبل در رابطه با ماهیت و عملکرد اتحادیه‌های کارگری چنین می‌گوید:

"آنچه را که مارکس و لنین بارها و بارها درباره دولت گفتند. اینکه دولت را با وجود یک دموکراسی رسمی نمیتوان بعنوان وسیله ای برای انقلاب پرولتری بکار گرفت، درباره اتحادیه‌ها نیز صدق می‌کند. نیروی ضد انقلابی

اتحادیه را نه میتوان منکر شد و نه میتوان با تغییر رهبری آن، با جانشین کردن نمایندگان «چپ» یا «انقلابیون» به جای رهبری ارتجاعی، آنرا به کنترل درآورد. این فرم خود تشکیلات است که توانائی توده ها را تنزل می دهد و مانع از آن میگردد که آنرا بعنوان وسیله ای برای نیاز خود بکار گیرند."

مدیران شرکتهای دوران پیش به تجربه دریافته اند که یک اعتصاب بموقع و از پیش برنامه ریزی شده، مهمترین شیوه برای تضمین آرامش محیط کار در آینده است. "بهترین نمونه آن اعتصاب جنرال موتورز در سال ۱۹۷۰ در آمریکا بود. مدیریت شرکت تا آنجا پیش رفت که به اتحادیه UAM ۳۰ میلیون دلار قرض داد تا اعتصاب را از لحاظ مالی تامین نماید. یک مفسر بورژوا توضیح داد که چرا اعتصاب به پایان رسید:

«یک اعتصاب که کارگران را به خیابان می کشاند، بخار آنان را خارج می کند، مطالبات آنها را تعدیل می دهد و بدینسان موجبات عقد قرارداد و موافقتنامه را فراهم می سازد. همچنین اقتدار سلسله مراتب اتحادیه ای را مستحکم می نماید.» [۲۳]



ایفای نقش پلیس یعنی ارائه خدمات فردی از یک سو و از سوی دیگر سرکوب کارگران بخشی دیگر از وظایف اتحادیه ها است. در یکی از آخرین نمونه های آن در بریتانیا، در کشور دمکراتیک و نه دیکتاتوری، بزرگترین اتحادیه یعنی اتحادیه یونیت (Unite)، کارمندان اتحادیه لیست سیاهی از کارگران تهیه کرده و در اختیار کارفرمایان قرار میدادند که در آن کارگران به لحاظ سیاسی نامناسب تشخیص داده می شد، که نباید استخدام می شدند، تا امنیت تولید و صنعت تامین شود! یعنی همان کاری را که شوراهای اسلامی کار در ایران انجام می دهند. [۲۴]

در سرمایه داری متروپل، اعتصابات کارگری که خارج از کنترل اتحادیه های کارگری شکل بگیرد، نام "اعتصاب وحشی" بخود می گیرد. در دوره هائی که مبارزه طبقاتی کمتر تدافعی است میزان اعتصابات وحشی بالا است. در دهه ۱۹۶۰ میلادی که دوره بازگشت پرولتاریا به صحنه اجتماعی پس از دوران سیاه ضد انقلاب است، ۹۰ درصد اعتصابات کارگری خارج از کنترل اتحادیه های کارگری بودند و جزو اعتصابات وحشی قلمداد می شدند.

اتحادیه های کارگری در عصر امپریالیسم به اتحادیه های غول پیکری تکامل پیدا کرده اند و همچون دستگاه دولتی، کارمندانی که تمامی ابزار قدرت، پول، روزنامه، تبلیغات و غیره را در دست دارند، تبدیل شده اند. اتحادیه ها بخصوص در کشورهای

متروپل خود از سهامداران اصلی شرکتها هستند و نقش مهمی در استثمار طبقه کارگر ایفا می کنند. درآمد اتحادیه‌های کارگری حاصل از استثمار کارگران ارقامی نجومی است. جنبش ضد جنگ ژاپن و کره جنوبی که شامل اتحادیه‌ها و جریان‌ها است فقط در یک مورد چهار صد هزار دلار به راه اندازی تلویزیون حکمتیستها کمک کرده است. این در حالی است که سنت اتحادیه‌ای ژاپن و کره جنوبی در مقایسه با اروپای غربی و آمریکای شمالی بسیار پایین است.

با ادغام اتحادیه‌های کارگری در دولت سرمایه، شکل یابی مستقل کارگری تنها آلترناتیو کارگران برای پیشبرد مبارزه طبقاتی است. ما فقط یک نوع مبارزه طبقاتی داریم. صد سال قبل روزا لوگزامبورگ به این مسئله چنین تاکید میکند:

" برای طبقه کارگر دو نوع مبارزه طبقاتی متفاوت، یک مبارزه اقتصادی و یک مبارزه سیاسی وجود ندارد. بلکه فقط یک مبارزه طبقاتی وجود دارد که در آن واحد که استثمار سرمایه‌داری را در درون جامعه بورژوائی محدود میکند تلاش مینماید که بطور کلی استثمار و جامعه بورژوائی را براندازد." [۲۵]

پس از توضیح کوتاهی در رابطه با نقش و عملکرد اتحادیه‌های کارگری، نگاهی می اندازیم به عوام فریبی چپ سرمایه در رابطه با اتحادیه‌های کارگری. سه کارگر

مبارز که سالها مورد آزار و اذیت سیستماتیک نیروهای امنیتی بورژوائی قرار گرفته بودند در خرداد ۱۳۹۷ طی سفری به اروپا که با هزینه اتحادیه‌های کارگری انجام گرفته بود با سازمان جهانی کار و اتحادیه‌های کارگری دیدارهایی داشته اند. چپ سرمایه با عوام فریبی این سفر را، سفری برای پیوند طبقه کارگر ایران با نیمه‌های دیگر طبقه کارگر جهانی توصیف می‌کند. ابتدا نظری می‌اندازیم به عوام‌فریبی چپ سرمایه:

"سرانجام سه کارگر آگاه، سه نماینده مستقل از ارگانهای سرمایه‌داری پس از بارها در آستانه ورود به هواپیما از سفر بازداشته شده با تحمیل اراده کارگران سفر کردند. سفری برای پیوند، تا کارگران نماینده‌ی کارگران باشند. و سخنگویی باشند برای بیان وضعیت و خواست طبقه و فرودستان جامعه. این نمایندگان مجال یافته بودند تا با نیمه‌های دیگر طبقه کارگر جهانی در پیوند و همبستگی بیابند... دیدار آنان به دعوت و هزینه «کلکتیو»- ۵ سندیکای بزرگ فرانسه ث. ژ. ت. (CGT)، ث. اف. دت (CFDT)، اف. اس. او (FSU)، اونسا (UNSA)، سولیدر (Solidaires) و دیدار با دیگر

ارگانها و اتحادیه‌های کارگری اروپایی و جهانی که در رسانه های جهانی بازتاب رسا و ارزنده ای داشته است.

در حالی که اجلاس سالانه سازمان جهانی کار در پشت درهای بسته، با هیئت های سه جانبه بورژوازی برگزار می شد، رضا شهابی، لقمان ویسی و داود رضوی پس از دیدارهای فرانسه، با مسئولین سازمان جهانی کار دیدارهایی ارزنده ای داشته اند، در ژنو سوئیس، آلمان، سوئد، در دیدارهای مهم با مسئولین اتحادیه سراسری کارگران سوئد (ال او) با ترانسپورت و صنایع فلزات (متال)، در استکهلم و گوتنبرگ دیدار و سخنرانی و پرسش و پاسخ در همایش های چندین ساعته با فعالین جنبش کارگری و نمایندگان مستقل کارگران در کشورهای اروپایی، که با مسئولیت اتحادیه های کارگری کشورهای فرانسه، نروژ، سوئد، آلمان (فرانکفورت و هامبورگ) برگزار شد، از جمله ایجاد پیوند طبقاتی و پشتیبانی از جنبش کارگری برای دستیابی به خواست های طبقاتی اشان در ایران را هموار می کند.... تا پس از دهه ی پرتنش ۱۳۲۰ برای نخستین بار سه نماینده طبقه کارگر از ایران به گونه ای خستگی ناپذیر، وفادارانه، زبان طبقه کارگر باشند." [۲۶]

سوالی که مطرح می شود این است، نقش سازمان جهانی کار در تداوم بربریت سرمایه داری و تداوم بردگی مزدی چیست؟ این اتحادیه های کارگری، چه دسته گلی به سینه طبقه کارگر متروپل زده اند؟ از کی اتحادیه های کارگری اروپای غربی، نیمه دیگر طبقه کارگر شده اند؟ اگر اتحادیه های کارگری نیمه دیگر طبقه کارگر هستند، چرا اعتصابات وحشی رخ می دهد؟ چرا کارگران اتحادیه ها را ترک می کنند؟ تمام تلاش یاوه گویان این است که به اتحادیه ها کارگری ماهیت کارگری بدهند. بی جهت نیست که همین چپ سرمایه همبستگی های کاغذی اتحادیه های کارگری را همبستگی طبقاتی کارگران اروپا با طبقه کارگر ایران جا می زنند. همانطوری که برآمد مبارزه طبقاتی در دهه ۱۹۶۰ نشان داد، ۹۰ درصد اعتصابات در همان متروپل سرمایه داری خارج از اتحادیه های کارگری بودند، در شکوفائی مبارزه طبقاتی اتحادیه های کارگری اولین سنگرهای خواهند بود که پرولتاریا با تسخیر آنها به سوی انقلاب جهانی کمونیستی گام برخواهد برداشت.

## تجربه شرکت واحد

به باور ما سندیکای شرکت واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه نه سندیکا به مفهوم رایج آن بلکه نوعی تشکل مستقل کارگری هستند که با افت و خیزهایی همراه بوده اند. بررسی تجربه شرکت واحد، حقانیت مواضع انترناسیونالیست‌ها مبنی بر تاکید بر سازمان یابی مستقل کارگران را بوضوح نشان می‌دهد.

در ۱۴ تیر ۱۳۳۵ شرکت واحد اتوبوسرانی آغاز به کار کرد و در سال ۱۳۳۶ سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی آغاز به کار کرد. در سال ۱۳۳۹ علی‌رغم مخالفت هیات مدیره سندیکا کارگران نخستین اعتصاب کارگری شرکت واحد اتوبوسرانی را سازمان دادند که دانشجویان به حمایت از آن پرداختند. خواستهای کارگران حق عائله مندی و تعطیلی روز جمعه بود.

پلیس اعتصاب را سرکوب کرد و رانندگان اعتصابی روانه زندان شدند و بدنبال آن رانندگان اعتصابی دستجمعی از کار اخراج شدند. سرانجام با حمایت افکار عمومی و دانشجویان رانندگان اعتصابی از زندان آزاد شدند و به کار بازگشتند.

با سر کار آمدن بورژوازی اسلامی که با حمام خون همراه بود، سندیکای کارگران شرکت واحد نیز ممنوع شد و شوراهای اسلامی کار (بخشی از وزارت اطلاعات در محل کار) در صنایع و محلهای کار به فعالیت ادامه دادند.

از اواخر سال ۱۳۸۳ عده ای از رانندگان شرکت واحد با استناد به کنوانسیون های سازمان بین المللی کار، خواستار بازگشائی سندیکای کارگران شرکت واحد شدند. ۱۹ خرداد ۱۳۸۴ کارگران برای انتخاب هیئت مدیره سندیکا مجمع عمومی برگزار کردند. تجمع کارگران مورد حمله قرار گرفت و تعداد زیادی از کارگران دستگیر شدند. کارگران دستگیر شده تحت فشار اعتراضات کارگری آزاد شدند. سرانجام کارگران در شرایط نیمه مخفی ۱۹ نفر هیئت مدیره و ۲ بازرس برای سندیکا انتخاب کردند.

بورژوازی اسلامی ۱۹ شهریور ۱۳۸۴ به محل سندیکا حمله کرد. در این حمله چند تن از فعالین سندیکا زخمی شدند و به بیمارستان منتقل شدند و دفتر سندیکا نیز تار و مار شد. اعتراض کارگران بشکل روشن کردن چراغ های اتوبوس ها در روزهای آفتابی شروع شد. عده ای از فعالین دستگیر شدند. در ۴ دی ۱۳۸۴ کارگران شرکت واحد با خواستهای افزایش دستمزد، بهتر شدن شرایط بهداشتی و رفاهی و همچنین آزادی کارگران دستگیر شده اعتصاب کردند.

بورژوازی اسلامی با دولت پلیسی به اعتصاب پاسخ داد. صدها نفر از رانندگان اعتصابی دستگیر شده و به زندان اوین منتقل شدند، بیش از ۳۰۰ نفر نیز بیکار شدند. به مرور زمان کارگران اخراجی به جز تعداد معدودی به سر کار بازگشتند و اکثریت دستگیر شدگان نیز با قرار وثیقه از زندان آزاد شدند.

سرانجام منصور اسانلو رئیس سندیکا نیز از زندان آزاد شد و تلاش کرد سندیکا به بخشی از رفرمیسم دولتی خاتمی تبدیل شود. پس از خروج اسانلو از ایران، سندیکای شرکت واحد او را از سندیکا برکنار کرد. اسانلو پس از پناهنده شدن به آمریکا تلاش کرده است در کنار کوهستانی نژاد و جهانبگلو و با پشتیبانی مالی «سولیداریتی سنتر» [۲۷] بخشی از سیاست های آمریکا را در رابطه با جنبش کارگری پیش برد. وظیفه «سولیداریتی سنتر» پیش بردن سیاستهای آمریکا در راستای منافع امپریالیستی آمریکا در رابطه با اتحادیه های کارگری است تا این اتحادیه ها در راستای منافع آمریکا حرکت کنند و این سیاست مانع تشکل یابی مستقل کارگران است. این نهاد به ظاهر غیر انتفاعی از منابع مالی سرشاری برخوردار است.

همانطوری که پیشتر اشاره شد سندیکای شرکت واحد نه یک سندیکای کارگری بلکه یک تشکل کارگری با همه افت و خیزهایش بوده است. از مجمع



عمومی آن بیش از ۱۳ سال میگذرد، نه توده کارگران عضو آن هستند و نه میتواند عملکرد یک سندیکا را داشته باشد، بیشتر شبیه یک کمیته کارگری است.

هیئت مدیره انتخابی سال ۱۳۸۴ طی نامه ای به تاریخ ۹ خرداد ۱۳۹۴ و به شماره ۴۱۱۱۷ تقاضای اخذ مجوز از وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی را برای برگزاری مجمع عمومی و همچنین محلی برای برگزاری مجمع عمومی می نماید. «دلاور نظری» مدیرکل سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در رابطه با درخواست کارگران شرکت واحد اظهار داشته است:

"مطابق مقررات فصل ششم قانون کار کارگران تنها مجاز به تشکیل یکی از سه شکل شورای اسلامی کار، انجمن صنفی کارگری یا انتخاب نماینده کارگر هستند... براین اساس با توجه به شرایط پیش بینی شده در قانون کار هیچ شکل کارگری دیگری تحت عنوان سندیکا در کارگاههای مشمول قانون کار مجاز به فعالیت نیست." [۲۸]

بورژوازی اسلامی خود واقف است که کارگران به شوراهای اسلامی بعنوان بخشی از وزارت اطلاعات نگاه می کنند، لذا امیدوار است برای ترمیم ظاهری خود، تشکلهائی از جنس شوراهای اسلامی کار اما با نام متفاوت سازمان دهد تا در مجامع

بورژوائی مثل سازمان جهانی کار، وانمود کند که تشکل های مستقل در ایران وجود دارند و مورد پسند سرمایه دوراندیش قرار بگیرد. در چنین زمینه‌ائی بود که پروژه سندیکا سازی دولتی توسط ترابیان و دوستانش مطرح شد. آنها مطرح کردند از آنجائیکه ۱۳ سال از اولین مجمع عمومی میگذرد، لذا هیئت مدیره فاقد اعتبار است و مجمع عمومی باید تشکیل شود تا هیئت مدیره جدید برای سندیکا تعیین کند. در شرایطی که هر گونه حرکت کارگری سرکوب می شود و کارگران شرکت واحد به زنجیر کشیده می شوند، چطور بورژوازی اسلامی اجازه برگزاری "قانونی" مجمع عمومی را به چنین کسانی می دهد؟ چطور اطلاعیه آنها در روزنامه های قانونی درج می شود؟ سناریوی بورژوازی اسلامی، آنطوری که پیش بینی کرده بود پیش نرفت و به یک افتضاح برای بورژوازی اسلامی ختم شد.

در سرمایه پیرامونی، بخصوص جاهائی که سنت پایدار دیکتاتوری، روبرنای سیاسی حاکم بوده است نمی تواند همان شرایط را که برای اتحادیه های کارگری در متروپل سرمایه داری دارا بوده، محیا سازد. به لحاظ تاریخی نیز سندیکالیسم انقلابی واکنشی بود علیه رفرمیسم اتحادیه های کارگری که در عین حال غیر سیاسی بماند. اما در عصر انحطاط سرمایه داری تنها یک مبارزه طبقاتی وجود دارد. سندیکای شرکت واحد برای همیشه نمی تواند به این شکل به فعالیت خود ادامه

دهد. یا باید در راستای قانونی شدن تلاش کند، فعلا که به تقاضایش پاسخ منفی داده اند و یا باید چشم انداز قانونی شدن را کنار بگذارد و بعنوان یک تشکل مستقل کارگری برای اهداف کارگری مبارزه کند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که قانونی شدن به مفهوم این است که بورژوازی به تمامی عملکرد و فعالیت سندیکا اشراف کامل خواهد داشت، مثل اتحادیه‌های کارگری در متروپل سرمایه داری.

اما برای چپ سرمایه اتحادیه‌های کارگری سازمانهای بزرگ کارگری هستند، شرم هم چیز خوبی است! امیر پیام از فعالین چپ سرمایه این چنین عوامفریبی می کند:

"در رابطه با سندیکای شرکت واحد مساله از سفر هیات نمایندگی آن شامل رضا شهابی و داود رضوی و حضورشان در کنفرانس سالانه و بین المللی سازمان جهانی کار در ماه مه امسال شروع شد. این سفر یک دستاورد مهم تاریخی برای جنبش مستقل کارگری ایران بود. در این سفر نه تنها از طرف هیات نمایندگی با سازمانهای بزرگ کارگری نشست های رسمی برگزار شد، بلکه برای اولین بار یک هیات نمایندگی واقعی کارگری از یک تشکل مستقل کارگری به مثابه صدای مستقل و دادخواهی طبقه کارگر ایران در کنفرانس سازمان جهانی کار حضور یافت و چند

دهه حضور انحصاری تشکلات ضد کارگری و دست ساز رژیم در این کنفرانس  
را درهم شکست. [۲۹]

آیا تشکلات ضد کارگری دست ساز بورژوازی اسلامی با اتحادیه‌های  
کارگری کشورهای اروپای غربی تفاوت کیفی دارد که این دیدار یک دستاورد  
مهم تاریخی وانمود می‌شود؟ هر دو که از کارگران جاسوسی می‌کنند و علیه  
کارگران لیست سیاه تهیه می‌کنند. دادخواهی طبقه کارگر در کنفرانس سازمان  
جهانی کار دیگر چه موضوعی است! برخلاف یاوه گویان، دادخواهی طبقه کارگر  
تنها از طریق انقلاب جهانی کمونیستی است. چپ سرمایه با شارلاتانیسم، تمام سعی  
خود را می‌کند تا مواضع سرمایه پسند تقویت شود.

## مدیریت کارگری

گرایش‌های آنارشیستی و آنارکوسندیکالیستی در فضای سیاسی ایران بی ریشه است، با این وجود چنین ایده‌هایی گاه‌گاهی به شکل ضعیف در چپ سرمایه‌مطرح می‌شود. بدنبال اعتراضات و اعتصابات اخیر کارگری موضوع خود مدیریتی مجدداً مطرح شده است. مدیریت کارخانه، کارگاه و یا محل کار توسط کارگران در حالی که روابط تولیدی همان سرمایه‌داری است، نوعی اتوپی در دوران طفولیت طبقه کارگر بود. این نگرش بعداً توسط گرایش‌های متفاوت آنارشیست و چپ سرمایه‌مطرح شده است و چیزی نیست جز توهم پراکنی و گیج‌سازی برای کارگران در راه رسیدن به هویت طبقاتی خود.

به لحاظ اقتصادی، خود مدیریتی، استثمار خود کارگران را سازماندهی می‌کند و کارگران مسئولیت بازسازی موسسات بحران زده را برای استثمار خود به عهده می‌گیرند. به هزینه کارگران کارخانجات ورشکسته دوباره رونق می‌گیرند. از آنجائیکه مدیریت کارگری الزاماً نقطه مقابل مدیریت بورژوازی نیست، حتی می‌تواند با بالا بردن بارآوری کار ارزش اضافی بیشتری را برای سرمایه تولید کند و بعضی مواقع برای سرمایه رضایت بخش‌تر نیز هست.

به لحاظ سیاسی، خود مدیریتی مخرب تر از لحاظ اقتصادی است. کارگران را در دیوار تنگ کارخانه محصور و ایزوله می نماید، در راستای گسترش مبارزه طبقاتی به دیگر بخش ها نیست. کارگران مشغول بازسازی اقتصادی سرمایه داری می شوند، در حالی که وظیفه کارگران از بین بردن اقتصاد سرمایه داری است و کارگران را از وظیفه اساسی آنان که همانا نابودی روابط تولیدی سرمایه داری و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا در سطح جهانی است دور می سازد. حقیقت انکار ناپذیر این است که پرولتاریا تنها در سطح جهانی قادر به مدیریت تولید است و آن هم نه در درون روابط تولیدی سرمایه داری بلکه بعد از درهم شکستن روابط تولیدی سرمایه داری.

برخلاف توهم پراکنی های چپ سرمایه، بحران موسسات اقتصادی و یا رکود کارخانه ها نه از «مدیریتی نالایق و فاسد» بلکه ریشه در نظام سرمایه داری دارد. خود سرمایه نیز در راستای انباشت بهتر سرمایه خواهان مدیریت خوب و لایق موسسات اقتصادی است. انزوای اعتراضات و اعتصابات کارگری و محصور شدن آنها در محدوده تنگ یک کارخانه و یا یک محل کار و عقب نشینی طبقه کارگر از هویت طبقاتی خود و در کنار آن دولت پلیسی و سرانجام نقش مخرب چپ سرمایه، از فاکتورهای اساسی در کم نتیجه دادن مبارزات کارگران و یا معضلی در مسیر تکامل

مبارزه طبقاتی در ایران بوده است. توهم زدائی از گرایش‌های راست و چپ سرمایه، تاکید بر مبارزه مستقل پرولتری، گسترش همکاری و ارتباطات با دیگر صنایع و بخش‌ها، موضوع هویت طبقاتی کارگران را مطرح خواهد کرد که در روند خود، طبقه کارگر را از یک طبقه در خود، به یک طبقه برای خود تبدیل خواهد بود.

امکان تحمل مدیریت کارگری از سوی بورژوازی اسلامی با توجه به شکنندگی اش بسیار کم است، اما امکان ناپذیر نیست. به جای سازماندهی سرمایه در بحران برای تداوم تولید ارزش اضافه باید سازماندهی به زیر کشیدن سرمایه در بحران را انجام داد.

## شوراهای کارگری

محتوا و ماهیت شوراهای کارگری نه تنها توسط گرایشات چپ سرمایه، بلکه حتی توسط کسانی که خودشان را به کمونیسم شورائی آویزان می سازند، از مفهوم مارکسیستی تهی شده است. توضیح و یا دفاع هر چند مختصر از مفهوم مارکسیستی شوراهای کارگری قبل از ادامه بحث ضروری است.

شوراهای کارگری عالی ترین شکل تشکل کارگری هستند. زمانی که مبارزه طبقاتی حاد می شود و دو طبقه اجتماعی همدیگر را به چالش می کشند، نه بورژوازی قادر به ادامه حکومت است و نه پرولتاریا هنوز سرمایه داری را واژگون کرده است، در شرایط تاریخی خاصی یعنی حالتی که جامعه حالت قدرت دوگانه را دارد شوراهای کارگری شکل می گیرند. در چنین شرایطی شوراهای کارگری شکل می گیرند تا کنترل کارخانه ها و محلات را از پائین بدست بگیرند و خودشان را بعنوان آلترناتیو قدرت سرمایه داری معرفی کنند. کارگران همچنین ارگانهای دفاع از شوراهای خود را نیز تشکیل می دهند. شوراهای کارگری نطفه های اولیه دیکتاتوری پرولتاریا هستند.

اشاره به این نکته ضروری است که رشد طبقه کارگر خطی نیست، لذا طبقه کارگر گرایشات سیاسی متفاوتی را از خود ارائه می دهد و این مسئله نیز کاملا طبیعی



است. برای نمونه شوراهای کارگری در سال ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ در روسیه و در سال ۱۹۱۸ در آلمان شکل گرفتند. نکته حائز اهمیت این است که چنین شوراهائی الزاماً واژگونی سرمایه‌داری و تسخیر قدرت سیاسی را در دستور روز خود ندارند. علت این مسئله هم این است همانطوری که اشاره شد شوراهای کارگری گرایش‌های متفاوت سیاسی را در بر می‌گیرد، چه بسا اکثریت با گرایش‌های غیر انقلابی باشد، برای نمونه ژوئیه ۱۹۱۷ در روسیه و یا دسامبر ۱۹۱۸ در آلمان. در دسامبر ۱۹۱۸ در آلمان روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنخت حتی اجازه نداشتند در کنگره شوراهای حاضر شوند تا حضار را مورد خطاب قرار دهند. چه در روسیه و چه در آلمان تنها با فعالیت خستگی‌ناپذیر انقلابیون بود که نماینده‌های ضد انقلابی یا متزلزل کنار گذاشته شد و به جای آن نمایندگان انقلابی در شوراهای انقلابی جایگزین گردید. خارج از بطن جامعه، امکان اداره شورائی یک کارخانه تحت نظام سرمایه‌داری حتی در متروپل سرمایه‌داری نیز تنها یک توهم است. نمیتوان جزیره جداگانه‌ای در درون مناسبات سرمایه‌داری درست کرد که قوانین سرمایه‌داری بر آن حاکم نباشد. سرمایه‌داری یک نظام مسلط تولیدی جهانی است که حتی به دوره افتاده‌ترین اقصی نقاط این کره خاکی نفوذ کرده است.

با این توضیحات به شرکت هفت‌تپه برمیگردیم. تیر ماه ۱۳۹۷ کارگران نیشکر هفت‌تپه از طریق انتخابات یک ارگان مستقل کارگری، یک تشکل مستقل کارگری انتخاب کردند که علیرغم همه نکات قوت و ضعف خود **یک دستاورد بزرگی** نه تنها برای شرکت هفت‌تپه بلکه برای کل طبقه کارگر بود. اطلاق نام "شوراهای کارگری" به این تشکل مستقل کارگری در تمایز با مفهوم مارکسیستی شوراهای کارگری است که توضیحات آنرا دادیم. اسماعیل بخشی، رهبر اعتصابی که خود ارائه دهنده این طرح بوده در این زمینه چنین می گوید:

"ما امسال به تناسب جمعیت هر بخش از شرکت نیشکر هفت‌تپه نماینده تعیین کردیم. طرحی که ارائه کننده‌اش من بودم و با همراهی دیگر کارگران آن را به اجرا گذاشتیم. تقریباً از ۱۴ بخش نیشکر هفت‌تپه حدود ۲۲ نماینده تعیین شد و از میان آنها یک هیأت مدیره انتخاب کردیم... این طرح حالت یک سازمان نظارتی پیدا می‌کند و بر عملکرد و ماندگاری این مدیران نظارت کرده و سپس برای اداره شرکت تصمیم می‌گیریم. هفت‌تپه نمادی کوچک از ایران است. زمانی که دولت قدرتی برای نظارت ندارد، نظارت مستقل و از پایین تشکیل دادیم و با قدرت آن را پیش می‌بریم. اصلاً نیازی به مذاکره

تک به تک میان کارگران و کارفرمایان نیست، کارگر به این نتیجه رسیده، شورایی باید به عنوان نماینده قوی باید وجود داشته باشد که در اداره هفت تپه نظارت و مداخله کند. قدرت نیز، همه کارگرانی هستند که به این نمایندگان رأی دادند. با این پشتوانه نمایندگان در برابر بازداشت و اخراج حمایت می‌شوند." [۳۰]

اسماعیل بخشی در توضیح بیشتر شورای مستقل کارگری توضیح می‌دهد، شوراهای تشکیل شده در هفت تپه همان شوراهای غایبی نیستند بلکه تفکر شورائی خود را در میان کارگران نشان داده و این تفکر غالب شده است. توضیحات اسماعیل بخشی بسیار واضح است و نیازی به تفسیر نیست. او میگوید:

"وقتی می‌گوییم شورای مستقل کارگری در هفت تپه تشکیل شد، برخی گمان می‌کنند که این شورا همان شورای غایبی است که به حد اعلا رسیده. خیر! ما ابتدای راهیم و زمان میبرد که حتی بین خود کارگران هفت تپه این موضوع تفهیم شود که کار شورایی چه هست... من مدعی نیستم که شوراهای کارگران هفت تپه عینا منطبق بر تئوری و تعریف شوراهاست که در مورد آن

به تفصیل صحبت شده؛ بلکه طبق روان‌شناسی فضای فکری و فرهنگی و واقعیت‌های موجود در فضای کارگری هفت تپه، تفکر شورایی خودش را نشون داد و غالب شد. [۳۱]

گرایش‌های متفاوت چپ سرمایه در رابطه با شکل مستقل کارگری هفت تپه واکنش متفاوتی ارائه دادند. ما از بررسی گرایش‌های چپ سرمایه فعلا صرف نظر می‌کنیم و نگاهی می‌اندازیم به مواضع کسانی که ادعای رادیکال بودن را دارند. کارگران ضد سرمایه‌داری که ظاهرا باوری به "رفرمیسم" چپ ندارد، در بحثی تحت عنوان "اسماعیل بخشی و بحث شورا سازی" چنین نوشتند:

"در سخنرانی بخشی ... تنها چیزی که مخاطبان می‌شنوند این است که باید شورائی ساخت و بر کار مدیران نظارت کرد!! این یعنی وارونه ساختن تصویر واقعی شورا در ذهن توده‌های کارگر، یعنی سندیکای ورشکسته بی اعتبار شده را لباس شورا پوشاندن، این از شورا سخن گفتن بدون دانستن هیچ چیزی از نقش و موضوعیت و هدف شورا سازی است. اینکه بخشی این کارها را آگاهانه انجام می‌دهد یا از سر ندانم کاری و سردرگمی، موضوعی است که واقعا نمی‌دانیم، اما یک چیز را خوب می‌دانیم، اینکه آنچه می‌کند نه فقط

هیچ کمکی به جنبش جاری توده کارگر علیه استثمار و جنایت سرمایه نیست، نه فقط در خدمت سازمانیابی شورائی قدرت ضد سرمایه‌داری کارگران نیست، که کاملاً برعکس است. شورای مورد نظر بخشی می‌تواند ضربه ای کوبنده بر پیکر پیکار روز کارگران و هر جنب و جوش رادیکال آنها برای تشکیل یابی شورائی ضد سرمایه‌داری گردد... آیا دوست عزیز ما بخشی به آنچه نسخه پیچی می‌کند هیچ فکر کرده است؟ آیا هیچ تعمق نموده است که زیر بیرق شورا سازی و جنبش شورائی فاجعه بارتترین ضربه‌ها را بر زندگی و مبارزه کارگران وارد می‌سازد؟... شورای آقای بخشی نه فقط هیچ از آن شوراها بهتر نیست که دهها بار زبون تر، بی خاصیت تر و سرمایه سالارتر است. پس بهتر است به سراغ راه درست شورا سازی و برپائی جنبش شورائی ضد سرمایه‌داری برویم." [۳۲]

اگر کارگران ضد سرمایه‌داری بر مواضع خود پای می‌فشردند و تلاش می‌کردند مواضع خود را در همین راستا تکامل دهند، قطعاً بعنوان یک گرایش فکری منسجم، سوای از تعلق طبقاتی، جدی گرفته می‌شدند. اما مدت کوتاهی پس از موضع گیری بالا با یک چرخش ۱۸۰ درجه ای، شورا را ظرفی برای افزایش دستمزدها، بهبود

شرایط کار و... ارزیابی کردند. این چرخش ۱۸۰ درجه ای نه یک گیج سری معمولی که شاید هر گرایش سیاسی مرتکب شود، بلکه بیانگر عدم انسجام درونی این گرایش فکری در یکی از پایه ای ترین مفاهیم پرولتری و مارکسیستی است. ظاهرا این بار نوبت اینهاست مفهوم شورا را به لجن بکشند. کارگران ضد سرمایه‌داری می‌نویسند:

"مبارزات اخیر کارگران نیشکر هفت تپه، سخنرانی اسماعیل بخشی و تاکید بر شورا و مبارزات شورائی و راهپیمائی مشترک با کارگران فولاد دور جدیدی از مبارزه طبقه کارگر ایران را به نمایش گذاشت، مبارزاتی که شور و شوق و امید بخشی آن در خانواده های کارگری نمایان است. این مبارزات می‌تواند در حصار انفعال و نظاره گری و منجی طلبی اکثریت کارگران شکاف ایجاد کند، به کارگران نشان دهد که رهاننده ای در کار نیست، منجی کارگران، جنبش شورائی خود کارگران است.... حضور افراد در این مبارزه شورائی بر اساس اشتراک در عقاید و افکار یا بندهای اساسنامه ای نیست. در بستر چنین روابط خود جوش و خانه زادی است که هر کارگری و از جمله کارگران ضد سرمایه‌داری می‌توانند نقش ایفا کنند. شورا ارتباط و اتحاد

همه کارگران است که می‌تواند مبارزه برای افزایش مردها، بهبود شرایط کار، رفاه همگانی، آزادی‌های سیاسی، حقوق اجتماعی و سرانجام رهایی نهایی انسان از استثمار و جامعه طبقاتی را در خود پیرورد." [۳۳]

«شوراگرائی» واکنشی ایده‌یستی به شکست موج انقلاب جهانی بود، به عبارت بهتر گرایش شوراگرائی متعلق به جناح چپ سرمایه نیست بلکه «شوراگرائی» بیانگر درک مکانیکی از حوادث اجتماعی در درون طبقه کارگر است. البته بسیار مهم است بین گرایشات شوراگرائی و جریاناتی که به مواضع چپ سرمایه خود، لباس شوراگرائی پوشانده‌اند تمایز قائل شد. فعالین جنبش لغو کار مزدی نیز به مسخ مفهوم مارکسیستی شورا‌های کارگری پرداختند. شورا‌های کارگری، عالی‌ترین قدرت پرولتری به سطحی نازل تنزل داده می‌شود. قهرمانان تصرف شورائی کارخانه شدند و اعلام کردند برای هر اقدام کوچک می‌شود شورا برگزار کرد. آنها تا سطح آنارشیزمها تنزل پیدا کردند که گویا می‌شود در درون نظام سرمایه‌داری اداره و مدیریت کارخانه را کارگران به عهده بگیرند. آنها چنین نوشتند:

"کارگران مجتمع صنعتی نیشکر هفت تپه خیزش اخیر را با تأکید بسیار صریح، عریان و مکرر بر شورائی بودن آن آغاز کردند. رسا، سنجیده و نقشه مند فریاد زدند که گام به گام مبارزه را شورائی، با رجوع به شعور، شناخت، اراده و فکر همه آحاد کارگران و بدون هیچ نوع تصمیم گیری بالای سر افراد پیش خواهند برد. همزمان و در همان لحظه نخست، بحث پیشبرد شورائی پیکار را با گفتگوی تصرف شورائی کارخانه و مبارزه برای تسلط شورائی بر سرنوشت کار و تولید به هم آمیختند... تصرف کارخانه تحریک آمیز و اغتشاش انگیز است!!! مدیریت و اداره کارخانه در توان کارگران نیست، مشکل تهیه مواد خام، فروش محصولات، مخالفت قوای دولتی سدهای آهنین سر راه این کارند!!! آنها ادامه دادند که: «حتی اگر به حرف کمونیست ها گوش دهیم آنان هم شورا و تصرف کارخانه را فقط در شرایط اعتلا جایز می دانند»!!!... کارگران قدرت طبقاتی خود را باور کردند. تصرف شورائی مرکز کار به عنوان لحظه ای از جنگ طبقاتی و مقاومت در مقابل شیخون های بورژوازی را در وجود خویش سراغ گرفتند... گام به گام این پیشروی را شورائی، با روایتی رادیکال از کارزار کارگری و شورائی جامه عمل پوشانند. برای هر اقدام کوچک جدید، شورا برگزار نمودند." [۳۴]



## وظایف انترناسیونالیستی

وظیفه پایه ای انترناسیونالیست‌ها دفاع از برنامه کمونیستی تا محو طبقات اجتماعی است نه اینکه دنباله رو طبقه کارگر باشند، حتی اگر به انزوای بیشتر آنها در تشکلهای کارگری بینجامد. نمونه واضح آن شوراهای کارگری در ژوئیه ۱۹۱۷ در روسیه یا دسامبر ۱۹۱۸ در آلمان است که عالی‌ترین ارگانهای کارگری بودند، در آلمان از حدود ۴۸۰ نماینده تنها ۱۰ نماینده متعلق به کمونیستها بود.

افشای ماهیت بورژوازی جناح‌های راست و چپ سرمایه، ارائه شفافیت سیاسی از اعتراضات و اعتصابات کارگری و ارائه افق انترناسیونالیستی یکی از مهمترین شروط برای پیشروی مواضع انترناسیونالیستی است. رشد طبقه کارگر خطی نیست، لذا طبقه کارگر گرایش‌های سیاسی متفاوتی را از خود ارائه می‌دهد، به تبع آن نقد کمونیستی فضای سیاسی از اهمیت بخصوصی برای پیشروی مواضع انترناسیونالیستی برخوردار است.

گرایش‌های متفاوت راست و چپ سرمایه با توجه به امکانات سرشاری که دارند، در تلاش هستند تا تبیینی سرمایه پسند از حوادث اجتماعی ارائه می‌دهند. عوامفریبی چپ سرمایه بخصوص در معرفی اتحادیه‌های کارگری تحت عنوان تشکلهای کارگری، یک خطر جدی برای تکامل مبارزه طبقاتی است. تاکید بر تشکلهای

مستقل کارگری، افشای ماهیت ضد انقلابی اتحادیه‌های کارگری و اینکه اتحادیه‌های کارگری در دولت سرمایه ادغام شده اند و بخشی از دولت سرمایه هستند، باید به تلاش خستگی ناپذیر انترناسیونالیست‌ها تبدیل شود.

تاکید بر قدرت طبقاتی کارگران بسیار حیاتی است. طبقه کارگر تنها با تکیه بر قدرت طبقاتی خود و تنها از زمین طبقاتی خود قادر است حملات بورژوازی را دفع نماید. در این رابطه پیوند و تماس حقیقی بخش‌های متفاوت طبقه کارگر و نه اتحادیه‌های کارگری ضروری است. آزادی کارگران زندانی و یا منع تعقیب کارگران نه از طریق توسل شدن به اتحادیه‌های کارگری کشورهای متروپل، بلکه تنها با مبارزه متحد طبقه ما ممکن است.

از آنجائیکه مبارزه طبقاتی در سطح جهانی در وضعیت دفاعی قرار دارد، لذا تشکیل حزب کمونیست انترناسیونالیست وظیفه روز انترناسیونالیست‌ها نیست، اما تلاش در این راستا و آماده سازی تئوریک، سیاسی و تشکیلاتی برای این امر مهم، وظیفه روز و حیاتی انترناسیونالیست‌ها است و باید در این راستا خستگی ناپذیر تلاش کنند.

## همزنجیران!

طبقه کارگر ایران یکی از دشوارترین شرایط اقتصادی و اجتماعی را می‌گذراند. از یک سو بحران سرمایه پیرامونی و از سوی دیگر تحریم‌های کشورهای غربی، سرمایه ورشکسته پیرامونی را در بحران عمیقی فرو برده است. ورشکستگی و تعطیلی واحدهای تولیدی، سقوط ارزش پول ملی، تنها به مفهوم اعمال سیاست‌های ریاضت اقتصادی هر چه بیشتری برای بردگان مزدی، برای طبقه ما بوده است.

اگر در مقطعی بورژوازی به خود اجازه میداد در ملا عام به کارگران معترض شلاق بزند، اگر در مقطعی کارگران از سر استیصال در برابر بربریت سرمایه‌داری دست به خودکشی میزدند اما رشد مبارزه طبقاتی شرایط و جو مبارزاتی را پالایش داده است. امروز به جای شلاق خوردن کارگران در ملا عام، شعار "نان - کار - آزادی - اداره شورائی" کارگران مرکز شهر را به لرزه در می‌آورد. بورژوازی خود به پتانسیل طبقه ما آگاه است. در چنین شرایطی است که علی محمد نائینی مشاور فرمانده سپاه اعلام میدارد در سال ۱۳۹۸ دو التهاب اساسی خواهیم داشت.

انتخابات مجلس و اعتراضات کارگری. [۳۵]

بورژوازی توانست اعتصابات شرکت نیشکر هفت تپه و گروه صنعتی فولاد را به شکست بکشانند. اما دستاوردهای این مبارزات و اعتصابات بسیار بیشتر از خیلی پیروزی های دیگر است. بیهوده نیست بورژوازی خود را برای اعتراضات کارگری سال آینده آماده می کند، بورژوازی خود نیز می داند شکست اعتراضات کارگری موقتی است. از مهمترین ویژگیهای اعتراضات و اعتصابات اخیر تکیه به قدرت طبقاتی کارگران بود. کارگران اعتصابی دست به دامان نهادها و ارگانهای بورژوازی برای تحقق خواستههای خود نشدند بلکه روند انباشت ارزش اضافه و سود سرمایه را قطع کردند. قطعاً این اعتصابات علیرغم تمامی محدودیت هایشان، علیرغم شکست موقتی شان موجب تقویت اعتماد بنفس طبقه کارگر شد و امیدواری را به پیروزی در نبردهای آتی تقویت کرد. طبقه کارگر ایران بعنوان گردانی از طبقه کارگر جهانی، متمرکزترین و با تجربه ترین طبقه کارگر خاورمیانه را دارد که در حافظه تاریخی خود نبردهای درخشانی را بخصوص در سالهای ۱۳۵۸ - ۱۳۵۶ به ثبت رسانده است.

تا بردگی مزدی هست، تا نظام سرمایه داری هست، جهنم زمینی در انتظار طبقه ما، در انتظار بردگان مزدی است. تشدید مبارزه طبقاتی تنها افقی است که پیش روی طبقه ما قرار دارد. چرا که همین شبح مبارزه طبقاتی است که بورژوازی بیش از هر

چیزی از آن وحشت دارد، بخاطر آن که مبارزه طبقاتی در روند تکاملی خود منجر به انهدام انقلابی نظام سرمایه‌داری خواهد شد. باید این نظام بربر و کثیف سرمایه‌داری را از طریق انقلاب کمونیستی به زباله دان تاریخ افکند، به عمر ننگین آن پایان داد و جامعه کمونیستی، جامعه‌ای که در آن از تولید کالائی، از سود و از استثمار انسان از انسان خبری نیست بنیان نهاد. ما چیزی برای از دست دادن نداریم جز زنجیرهایمان و جهانی که بدست می‌آوریم!

صدای انترناسیونالیستی

۹ دی ۱۳۹۷

## یادداشتها:

- <http://www.bbc.com/persian/43947490>[۱]
- [https://en.wikipedia.org/wiki/List\\_of\\_countries\\_by\\_GDP\\_\(nominal\)](https://en.wikipedia.org/wiki/List_of_countries_by_GDP_(nominal))[۲]
- [۳] ارزش افزوده تولید شده
- <http://www.irna.ir/fa/News/83079514>[۴]
- <https://khabarfarsi.com/u/60434235>[۵]
- <http://www.rishenews.com/news/20707>[۶]
- <http://www.sarpoosh.com/society/social-damages/social-damages970205572.html>[۷]
- [۸] <https://iranintl.com> / علی-نقدی
- <http://www.guardian.co.uk/world/2009/sep/09/france-telecom-staff-suicides-phone>[۹]
- [۱۰] لینک قوه قضائیه
- [۱۱] <http://tnews.ir/site/2934124430940.html>
- [۱۲] <https://telegra.ph> / انتخابات-آزاد-و-مستقل-۱۰-۰۷
- [۱۳] از سخنرانی اسماعیل بخشی در جمع کارگران اعتراض مقابل فرمانداری شوش بتاريخ ۲۶ آبان ۱۳۹۷
- [۱۴] سخنرانی اسماعیل بخشی ۱۷ آبان ۱۳۹۷
- [۱۵] <https://khabarfarsi.com/u/62929002>
- [۱۶] ارادیو فردا
- [۱۷] منبع ۱۲
- [۱۸] [tps://www.youtube.com/watch?v=2iCbek\\_3A-I](tps://www.youtube.com/watch?v=2iCbek_3A-I)
- [۱۹] [https://www.instagram.com/smaeil.bakhshi/?utm\\_source=ig\\_embed](https://www.instagram.com/smaeil.bakhshi/?utm_source=ig_embed)
- [۲۰] <http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=90611>
- [۲۱] <https://www.instagram.com/p/BpH-dlil8G5>
- [۲۲] <https://www.dw.com/fa-ir/iran/a-46358358>
- [۲۳] اتحادیه ها بر علیه طبقه کارگر از جریان کمونیست بین المللی

[۲۴] تهیه لیست سیاه اتحادیه‌های کارگری بریتانیا

[۲۵] روزا لوگزامبورگ - اعتصاب توده‌ای، حزب و انقلاب

[http://www.azadi-b.com/G/2018/06/post\\_351.html](http://www.azadi-b.com/G/2018/06/post_351.html)[۲۶]

(آزمون و دستاوردهای حضور نمایندگان کارگران در تریبون‌های جهانی - عباس منصوران)

<https://www.solidaritycenter.org> [۲۷]

<https://vahedsyndica.com/archive/1046>[۲۸]

[۲۹] درباره سندیکاهای دولتی

<https://meidaan.com/archive/57397>[۳۰]

[۳۱] منبع ۱۲

<http://www.alayhesarmaye.com/index.php/articles/341-shorasazi-7tape>[۳۲]

[۳۳] کارگران ضد سرمایه داری

<http://www.simayesocialism.com/?p=7882>[۳۴]

[https://www.radiofarda.com/a/warning-about-the-next-years-crises-in-](https://www.radiofarda.com/a/warning-about-the-next-years-crises-in-iran/29684152.html)[۳۵]

[iran/29684152.html](https://www.radiofarda.com/a/warning-about-the-next-years-crises-in-iran/29684152.html)

## خطوط اصلی مواضع:

۱. جنگ جهانی اول نشان داد که سرمایه‌داری بعنوان یک نظام اجتماعی وارد دوره انحطاط شده است. تنها دو آلترناتیو برای این سیستم وجود دارد: یا انقلاب کمونیستی یا نابودی بشریت.
۲. در عصر ما، طبقه کارگر تنها طبقه انقلابی است و تنها این طبقه اجتماعی است که میتواند انقلاب کمونیستی را انجام دهد و به بریت سرمایه‌داری پایان دهد.
۳. بعد از آنکه سرمایه‌داری وارد دوران انحطاط خود شد، اتحادیه‌های کارگری در سراسر جهان تبدیل به ارگانهای نظام سرمایه‌داری شدند. وظیفه اصلی اتحادیه‌ها کنترل طبقه کارگر و منحرف کردن مبارزه طبقاتی کارگران است.
۴. در عصر انحطاط و گنبدیگی سرمایه، شرکت در نمایشات انتخاباتی و سیرک پارلمان تنها در جهت تقویت توهمات دمکراسی است. سرمایه‌داری دمکراسی و سرمایه‌داری دیکتاتوری دو روی همان سکه هستند، بربریت سرمایه‌داری.
۵. تمامی جنبشهای ملی ضد انقلابی، بر علیه طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی هستند. جنگ آزادیبخش ملی یک نیروی پیاده در اختلافات امپریالیستی است.
۶. علت شکست انقلاب اکتبر، شکست موج انقلاب جهانی، مخصوصاً شکست انقلاب آلمان که منتهی به انزوای انقلاب اکتبر و سپس منجر به انحطاط آن شد.
۷. تمامی احزاب چپ ارتجاعی هستند، استالینیستها، مائوئیستها، تروتسکیستها و آنارشئیستها رسمی و غیره دستگاه سیاسی سرمایه را نمایندگی می‌کنند.



۸. کلیه دولتهای به اصطلاح "سوسیالیست" یا "کمونیست" که در شوروی، اروپای شرقی، چین، کوبا و غیره بر سر کار آمدند تجلی شکل ویژه از بربریت سرمایه‌داری بوده و هستند، سرمایه‌داری دولتی.

۹. سازمان انقلابی پیشقراول پرولتاریا را تشکیل می‌دهد و یک فاکتور فعال در تکامل و تعمیم آگاهی طبقاتی است. سازمانهای انقلابی تنها میتوانند شکل اقلیت انقلابی به خود بگیرند که وظیفه شان نه سازماندهی طبقه کارگر یا کسب قدرت بجای طبقه کارگر، بلکه رهبری سیاسی - یک قطب نمای سیاسی است، بطوریکه شفافیت سیاسی سازمان انقلابی و نفوذ آن در طبقه کارگر از عناصر اصلی برای انقلاب کمونیستی هستند.

### **تعلق سیاسی:**

مواضع، نظرات و فعالیت گرایش‌های سیاسی پرولتری، محصولی از تجربیات گذشته طبقه کارگر و درس‌هایی که سازمانهای سیاسی طبقه کارگر در طول تاریخ این طبقه کسب کرده‌اند. لذا صدای انترناسیونالیستی ریشه‌های خود را در اتحادیه کمونیستها، انترناسیونال اول، جناح چپ انترناسیونال دوم، انترناسیونال سوم، مخصوصاً جناح چپ انترناسیونال سوم و فراکسیون‌هایی که در مقابل انحطاط انترناسیونال سوم و وظیفه‌های سترگ دفاع از مواضع پرولتری و کمونیستی را بر عهده گرفتند، فراکسیون‌های هلندی - آلمانی و **بویژه فراکسیون چپ کمونیست ایتالیا** میدانند و از سنن کمونیست چپ دفاع می‌کند.